

# فصل اول

## انسانهای نخستین

مطابق یک فرضیه علمی معاصر ، سیر تکاملی نخستین میمونهای انسان نما ( اجداد انسان ) در حدود ۴ میلیون سال پیش در آفریقا آغاز گردید . سپس ، میل دگر خواهی مهاجرت این میمونهای انسان نما را به آسیا و اروپا جایی که آنها تکامل خود را ادامه دادند ، منتقل نمودند آنهايي که در آفریقا باقی ماندند به روند تکاملی خود ادامه دادند و به صورت انسانهای امروزی درآمدند و سرانجام آنها به همه نقاط جهان مهاجرت کردند و جای همه میمونهای انسان نمای اولیه را گرفتند .

حدود ۱/۸ میلیون سال پیش دسته هایی از انسان های اولیه از راه خاورمیانه و آسیای جنوب غربی به سرزمینی که امروز گرجستان است مهاجرت کردند . این انسانهای اولیه جزو اولین دوره های انسان راست قامت یا آخرین دوره ای پیش از آن یعنی انسان ماهر (ابزار ساز) یا *Homo Habilis* دسته بندی می شوند . حجم مغز انسانهای اولیه ۹۰۰ سانتی متر مکعب بود در مقابل حجم مغز انسان امروزی که به طور متوسط ۱۳۵۰ سانتی متر مکعب است .

از خصوصیات این دسته گوشتخوار بودن است . چرا که در جایی مثل آسیای مرکزی و گرجستان نمی شود مانند آفریقای آن زمان فقط با میوه ها و دانه های گیاهی زندگی کرد . سرزمینهای آسیای مرکزی دو فصل اصلی داشته است و در دوره ای از سال میوه و گیاهان به اندازه ی کافی در دسترس نبوده است .

در جایی به نام دمانیسی میان گرجستان و ارمنستان امروزی فسیل هایی از انسانها کشف شده است که طبق نظر محققین باید جزو این دسته از انسانها باشند . خود همین کشف به تنهایی از این نظر جالب است که نشان از مهاجرت انسانهای اولیه از آفریقا به سرزمین های آسیای مرکزی و روسیه دارد . یکی از این فسیلها نشان می دهد که دندانها در سنین نوجوانی او ریخته است ولی توانسته است که سالها پس از آن زندگی کند بطوری که موقع مرگ ۴۰ ساله بوده است . نشانه ی این موضوع پوشانده شدن سوراخ های دندان های ریخته شده بوسیله ی رشد بعدی آرواره است . خوب سوالی که حالا مطرح است اینست که در شرایطی که میوه و گیاهان در دوره ی طولانی از سال در دسترس نبوده اند و فقط با

گوشت شکار می شد زندگی کرد ، این انسان چگونه توانسته است بدون دندان سالها زندگی کند ؟ نام این فسیل را پیرمرد گذاشته اند .

راه حلی که می تواند منطقی تر از بقیه باشد این است که افرادی در گروه به او کمک می کرده اند و این کمک در طول سالیان ادامه داشته است . یعنی اتفاقی نمی توانسته است باشد . این کشف کوچک نیست و نشان می دهد که پیوندهای فامیلی و قبیلگی پا به پای رشد انسانی بتدریج در حال شکل گرفتن بوده اند و تاریخی بسیار دورتر دارند . همانطور که اشاره کردم دورترین نشانه ها در انسان هموساپینس و انسان نئاندرتال دیده شده بود .

با توجه به این یافته ها می توان به این فکر کرد که انسان در تماتیش محصول یک تکامل تدریجی است و آنچه انسانیت ما نام دارد یکباره شکل نگرفته است و ریشه های انسانی ما بیشتر از آنچه به نظر می آید با طبیعت درآمیخته است .

**آن زمان که انسان نبود**

زمانی بسیار دراز ، پیش از آنکه آدمیزاد بر روی زمین هویدا شود ، این زمین - که دیرزمانی پس از آن زادبوم انسان می شد - مراحل بی شماری از دگرگونی را پشت سر نهاده بود ، شکل گرفتن زمین به چهار هزار و هفتصد میلیون سال پیش باز می گردد . آن زمان که توده ای از گازهای گداخته بر رویه ی سخت یکی از سیاره ها نشست و سرد شد . آن سیاره همین زمینی است که ما بر آن زیست می کنیم . به دنبال آن در درازای شصت هزار سال باران های سیل آسا بر زمین فرو ریخت که اقیانوس ها از آن به وجود آمدند . همزمان آتشفشان های بزرگ پی در پی کوه ها را به وجود آوردند و شکل آنها را پی در پی دگرگون کردند . میلیون ها سال دیگر سپری شد تا جانوران پستاندار نمودار شدند که تکامل آنها به پیدایش انسان انجامید . باورهای گونه گون درباره ی پیدایش عالم و آدم که از اسطوره ها سرچشمه می گیرند بخشی بزرگ از میراث فرهنگی بشریت اند . دانش نو با همه پیشرفتگی و دستاوردهایش آدمی را درباره ی چگونه پیدا شدن زمین و منظومه ی شمسی به یک باور همگانی ، یکدست و بی چون و چرا نمی رساند . با این حال امروزه عموماً بر این گمان اند که منظومه شمسی این گونه به وجود آمد که توده ای از گازها و غبارهای پراکنده در فضا زیر تأثیر نیروهای جاذبه رفته رفته و به آرامی بر یکدیگر انباشته و فشرده شدند . از گرمایی که از این انباشتگی و فشردگی گازها و غبارها برخاست خورشید کم نوری زاده شد که رفته رفته دایره ای از گاز و بخار پیرامون خود پراکند . این گازها و بخارها کم کم سرد شدند ، فشرده شدند تا اینکه سیارات از آنها به وجود آمدند .

همزمان ، خورشید رفته رفته کوچک تر شد ، دورتر رفت و گداخته تر شد . نزدیک به خورشید توده های گاز و بخار که سنگین تر بودند بر هم فشردند و سیارات درونی منظومه شمسی را ساختند که زمین یکی از آنهاست . دورتر از خورشید اتم های سبک تر در هم فشردند و سیارات برونی را ساختند . گمان می رود که توده ی گازی که از زمین از آن ساخته شد چهار هزار سانتی گراد گرما داشت ، کمابیش به اندازه ی گرمای خورشید ۴۷۰۰ میلیون سال پیش زمین سرد شد ، گازها به مایع بدل شدند و آنگاه در گرمای ۱۵۰۰ درجه ذرات سفت و سخت بر رویه ی زمین نمایان شدند که بر توده ی گداخته زمین شناور بودند . گرما که

کاهش یافت و به درجه ۷۰۰ درجه رسید رویه ی سخت زمین ده کیلومتر کلفت شده بود. از آن پس آهنگ سرد شدن زمین کند شد. رفته رفته که گرما بیشتر کاهش یافت اینجا و آنجا باران نم نم باریدن گرفت و نم نم باران به زودی به رگبارهای تند بدل شد.

ابرهایی که بر فراز زمین آونگ بودند در ازای شصت هزار سال بر زمین باریدند و در گودی های رویه ی زمین اقیانوس ها را به وجود آوردند. آب باران ها که بر زمین می بارید و اقیانوس ها را می انباشت رفته رفته گرمای زمین را کاهش می داد تا سرانجام به آن درجه رسید که امروز هست، بیست تا سی درجه سانتی گراد. بارانی که بر زمین می بارید کمابیش سه میلیارد سال پیش بند آمد اما تا آن وقت زمین هنوز برای زیستن آماده نشده بود. هوای پیرامون زمین ترکیبی بود از اکسید دو کربن، بخار و آب، متان و آمونیاک. پس نمی توانست تابش ماوراء بنفش را که از خورشید به زمین فرو می ریخت چاره کند. رویه ی زمین نیز هنوز به اندازه ی کافی سفت و سخت نشده بود. خمش و نرمش داشت زیرا گدازه های آتشفشانی از اندرون زمین برون می جهید و بر رویه ی زمین می پراکند. بر خاره سنگ ها که گدازه های آتشفشانی به جا نهاده بودند هنوز هیچ گیاهی نروبیده و آبی که بر رویه ی زمین یافت می شد شورابی بود که در فرورفتگی ها و گودال ها انباشته شده بود. اما همین چند و چون های بی نوید هسته های زندگی را در خود می پروریدند. عناصر شیمیایی پیچیده و شگفت آوری همچون اسیدهای آمینه و اسید فورمیک در آب دریاها پیدا شدند و از آب دریاها یک محیط زیست ساختند. ( توکلی، ۱۳۸۴: ۲۱۳-۲۱۰ )

## **پیدایش نخستین باره انسان**

دانستن اینکه انسان برای نخستین بار کی و کجا پیدا شده است برای تاریخدان فرهنگ، ممکن نیست، ولی یقین هست که انسان در آخرین دوره عصر نو زیوی وجود داشته است. استخوانهایی که ایوگن دوبوا جراح هلندی در ۱۸۹۱ در ناحیه توبنال واقع در جاوه کشف کرد - استخوانهای بخش بالایی جمجمه یک استخوان ران و دو دندان - اگر برآستی استخوانهای یک موجود بوده باشد می تواند نشان از وجود انسان در روزگاری کهن باشد. این تکه های بازمانده که تاریخدانان به عنوان انسان جاوه می شناسند، شاید

کهنترین تکه های استخوان بندی انسانی است که در اختیار ماست . عموماً فرض این است که انسان جاوه در اوایل دوره پلیستوس می زیسته است . همچنانکه نشانه های اتصال ماهیچه حکایت می کند . او با اندام راست راه می رفته است . شیارهای مغزش نشان می دهد مغز او تفاوت بسیاری با مغز انسانواره دارد باید این واقعیت را یادآور شد که هیچ ابزاری همراه با بازمانده های انسان جاوه کشف نشده است نظریه های بی پایه و مایه درباره فرهنگ انسان جاوه باورکردنی نیست . ( لوکاس ، ۱۳۷۲ : ۲۲۰ )

## **بشر راه رفتن روی دو پا را می آموزد .**

از نخستین رویدادهائی که در حیات بشر ، پس از ترک درختان و اختیار زندگی در سطح زمین رخ داد ، این بود که راه رفتن روی دو پا را آموخت .

وقتیکه طفل شش ماهه می شود ، با چهار دست و پا شروع به خزیدن بر روی زمین می کند . در دوازده ماهگی می تواند راست بایستد و نخستین قدمها را با دو پای ناتوان و لرزان خود بردارد . با آغاز ، باصطلاح تاتی تاتی راه رفتن طفل ، همیشه این خطر برای او وجود دارد ، که با صورت به زمین بخورد . حتی هنگامیکه می خواهد طول اطلاق را بسرعت بییماید ، ترجیح می دهد که باز خزیده و با کمک دستها و پاهای خود آن فاصله را طی کند . اما سرانجام بموازات تکامل و بهبودی وضع حس تعادل و بحد کافی قدرت و نیرو گرفتن پاهایش و بتدریج بیشتر و بیشتر از پاهای خود بعنوان وسیله تغییر مکان و رفتن از جائی به جای دیگر استفاده می نماید . مع الوصف در طی زمانی نسبتاً طولانی راه رفتن واقعی را فرا می گیرد .

انسان برای یادگیری عمل راه رفتن ، همان مراحلی را می پیماید که اجداد او در طول میلیون ها سال پیش برای اینسو و آنسو رفتن طی کردند . شاید کودکان بخود بگویند : چرا راه رفتن روی دو پا را یاد می گیرم ؟ اینکه کاری ناراحت کننده است ، راستی چرا خودم را اذیت می کنم ؟

جوابی که این کودکان پس از دوره ای کوتاه برای خود می یابند اینست : فایده اینگونه راه رفتن اینست که می توانم روی دو پا ، باین سو و آن سو شتافته و دستهایم نیز آزاد خواهد بود و بدینوسیله بخوبی می توانم اشیائی نظیر اسباب بازیهایم را با خود حمل کنم !

البته خود ما هنوز نمی دانیم که چرا انسان راه رفتن را شروع کرد؟ اما چنین به نظر می رسد که آزاد بود دستها برای انسان اولیه مزیت بسیار مهمی داشته است، چه بدان طریق قادر به حمل همه نوع وسایل، خوراک، اسلحه یا حتی کودکانش بوده است و بهمین علت نیز، انسانهای اولیه توانستند، با توجه به مشقات فراوان زندگی در چراگاههای گسترده زنده بمانند.

بنابراین بار دیگر، طبیعت نشان داد که حیواناتی می توانند نسلی از خود بجای گذارند که قادر باشند خود را با طبیعت و شرایط زیست موجود تطبیق دهند و بازنده ماندن، اجداد نسل های آینده خود باشند. مفهوم تکامل نیز همین است. (ناپیر، ۱۳۵۲: ۱۹-۱۸)

## **بشر راه استفاده کردن از دستهایش را می یابد.**

کلیه میمون ها و میمون های بی دم، هوشیارانه و در راههای مختلفی دستهای خود را بکار گمارده و از آنها استفاده می کنند. آنها می توانند قفلها را باز کرده، چوب پنبه ها را از سر بطری ها درآورده و حتی نقاشی کنند. در واقع میمون ها بدین علت قادر به انجام این کارها میباشند که انگشت شست آنها قابلیت تحرک بسیار خوبی دارد و تقریباً در هر وضعیتی می توانند با کمک آنها به اشیاء چنگ بزنند. دلیل دیگر آنستکه میمون ها دارای دماغ و مغزی فعال می باشند. آنها با تماشای انسانی که مشغول درآوردن چوب پنبه یک بطری است، بطور دقیق بیرون آوردن چوب پنبه را یاد می گیرند. بحدی مغزشان کنجکاو و فعالست که هر آنچه را می آموزند خود میآزمایند. وقتیکه اجداد پیشه ها را ترک کرده و زندگی در چراگاهها را پذیرا شدند، دستهایشان تقریباً همانند دستهای ماهر میمونهای امروزی بود. پس از گذشت بیش از میلیونها سال دستهای انسان مختصر دگرگونی پذیرفته. انگشت شست کمی درازتر و کلفت تر شده و گوشت انتهای انگشتان پهن تر گشته است.

در جریان تکامل دست بشر، تغییر مهمی در شکل آن بوجود نیامده، بلکه دگرگونی عمده در وظیفه آن صورت گرفته است. اگر لحظه ای تعمق کنید، درک خواهید کرد که دست هر عملی را که مغز امر باجرایی آن دهد انجام می دهد. بنابراین چون مغز تکامل یافته و هوشیار تر شده، بالنتیجه دست نیز ماهرتر گشته

است .

مهمترین گامی که در راه تکامل بشر برداشته شد ، یادگیری طرق استفاده از اشیاء نظیر سنگ ، چوب و استخوانهای دیگر حیوانات بوده است .

بشر به خوبی دریافت که می توان از این اشیاء ابزار شگفت انگیز و مفیدی ساخت ، بعنوان مثال بشر می توانست ، یک سنگ گرد را بعنوان چکش بکار گرفته ، یک قطعه چوب را بصورت بیل درآورده و از فک گوسفند نیز بعنوان یک اره خوب استفاده کند . حدود یک میلیون سال پیش گروهی از انسانهای اولیه بسیار باهوش ، در آفریقای جنوبی زندگی می کردند ، آنها استعداد عجیبی در ساختن ابزار مختلف از استخوانهای حیوانات و طرز استفاده از آنها داشتند. ( همان منبع قبلی : ۲۱-۲۰ )

## **بشر . ابزار می سازد .**

در منطقه بسیار دور افتاده ای واقع در آفریقای شرقی بنام سرنگتی Serengeti دره تنگ و درازی بطول ده میل قرار دارد که الدوای گورج Olduvai Gorge نامیده میشود ( گورج بمعنی دره تنگ است ) . هم اکنون این منطقه بصورت یکی از معروفترین دره های جهان درآمده است . عمق این دره سیصد فوت (پا) می باشد و صخره های آن متشکل از لایه های گوناگونی است که هر یک از لایه ها ، نشانگر و نمودار نشست رسوبات آتش فشانی است که طی سالیان متمادی بر روی یکدیگر قرار گرفته اند . در سال ۱۹۵۹ در لایه تحتانی آن که نخستین ریزش ها و رسوبات آتش فشانی بود و بالنتیجه قدیمیترین آنهاست . استخوان های بدن یک نوع انسان اولیه کشف شد . این موجودات همانند پیگمی ها نسبتا کوچک اندام بودند . پیگمی ها افرادی کوتاه قد هستند که در آفریقا و گینه نو پراکنده شده اند میانگین قد پیگمی های آفریقا که نگریلو Negrillo نامیده میشوند کمتر از ۵ فوت می باشند .

کشف اسکلت تقریبا کامل پاهای این موجودات نشان داد که آنها همانند انسانهای امروزی روی دو پا راه می رفتند . فسیل استخوانهای این انسان اولیه همراه با شواهدی که بیانگر طرز زندگی و شرایط زیست و محیط اطراف آنها بود کشف گردید . استخوانهای حیوانات کوچک و ماهیانی که این انسان اولیه بدام



انداخته بود و نیز استخوانهای حیوانات بزرگی را که تصادفاً آنرا یافته و برای در آوردن مغزش آنرا شکسته بود بدست آمد .

همچنین ابزار سنگی ، در آن نواحی یافت شد که نوعی تبر محسوب می شود و انسانهای الدووای بمنظور های مختلف آنرا بکار می بردند . در واقع تبرهای سنگی مکشوفه ، مثل چاقوهای جیبی پیش آهنگان ، برای انسانهای اولیه مفید بوده است .

بسیاری از مردم بر این عقیده اند که مهمترین مرحله تکامل انسان مرحل ایست که بشر اولیه شروع بساختن ابزار از اشیایی که در پیرامون خود می یافته و از آنها استفاده های ساده ابتدایی میکرده است . زیرا این مورد نشان میدهد که انسان شروع بتفکر در مورد آینده کرده است و همین بیش نگری و تفکر است که از جمله تمایزات اساسی و مهم بین انسان و حیوانات می باشد . شواهد و مدارکی که به نام طبقات زندگی شهرت یافته و از الدووای بدست آمده نشان می دهد که انسان الدووای درین دوره در گروه های خانوادگی زندگی می کرده است . ( همان منبع قبلی : ۲۲-۲۳ )

## **بشر شکارچی**

خوراک ، انسان اولیه الدووای ، بیشتر سبزیجات ، میوه ها و ریشه درختان بوده و علاوه بر اینها از گوشت حیوانات کوچکی نیز که می توانست بدام اندازد ، تغذیه می کرد . خوراکیهای فوق تفاوت چندانی با غذای افراد قبائل پیگمی امروزی ساکن کنگو ندارد . حدود نیم میلیون سال بعد از انسانهای کوچک الدووای افریقائی که دارای ابزارهای سنگی خشن و روشهای ساده تله گذاری بودند ، انسانهای بسیار پیشرفته تری بظهور رسیدند که شکارچی حیوانات بزرگ محسوب میشوند . اکتشافات و آثار مربوط به نخستین شکارچیان حیوانات بزرگ در جاوه واقع در هند شرقی و جزائر سند بدست آمده است ، بعدها نیز سنگواره بازمانده های این نژاد انسانی در چین ، اروپا ، آفریقای شمالی ، آفریقای شرقی و جنوبی کشف شد . چنانچه ملاحظه می کنید ، در آن عصر بشر در نواحی مختلف جهان که محل سکنی بشر امروزی است پراکنده شده بود .

بسیاری از مناطقی که انسان جاوه ای و اخلاف آن ، در آن نواحی کشف کرده اند ، دارای زمستانهای بسیار

سرد بوده است . بالنتیجه دو مرحله مهم از تکامل انسان ، ( که او را قادر بزیست در آب و هوای بسیار سرد نمود ) در این دوره صورت گرفت .

یکی از این عوامل ، پیدایش آتش و استفاده از آن برای گرم نگهداشتن خود و ترسانیدن و گریزانیدن حیوانات وحشی و درنده بوده و دیگری پرداختن بشکار ، بمنظور تهیه گوشت برای دوران طولانی زمستانها ( که در این فصل میوه و حبوبات نیز کمیاب می شد ) بوده است و بدین ترتیب توانستند ، نسل خود را حفظ کرده و زنده بمانند .

در صفحه مقابل صحنه ای از شکار نقاشی شد است . احتمالاً انسانهایی که در شکار شرکت می کردند از چندین قبیله و گروههای خانوادگی مختلف بودند . باین علت آنها گرد هم جمع شده و بشکار دسته جمعی می پرداختند که تنها بدان طریق امکان بدام انداختن و فائق آمدن بر حیوانات عظیم الجثه وجود داشته است . شکار حیوانات بزرگ ، نسل انسان را در راه تکامل مرحله دیگری نیز رهنمون شد . زیرا بدینوسیله به ارزش کار جمعی و همکاری همگانی پی برد . گروههای کوچک انسانها بیکدیگر پیوسته و بجای جنگ با یکدیگر به کمک و یاری هم همت گماشتند . لذا تعاون و همکاری های ابتدائی بمنظور شکار دسته جمعی ، موجب پیدایش جوامع امروزی شد . ( همان منبع قبلی : ۲۵-۲۴ )

## **جمع آوری غذا**

مهم ترین مشکل انسان نخستین ، فراهم کردن غذا بود . او از صبح تا شب در جنگلها به جست و جوی غذا می پرداخت و غذای خود را از میوه ی درختان ، ریشه و برگ گیاهان و تخم پرندگان به دست می آورد . جمع آوری غذا کار سختی بود . زیرا بعضی روزها از صبح تا شب سپری می شد و او چیزی برای خوردن پیدا نمی کرد . شب ها هم برای در امان ماندن از حمله ی حیوانات ، بالای درختان می خوابید .

خداوند به انسان در مقایسه با بقیه ی جانوران دو نعمت بزرگ عطا کرده است یکی نیروی عقل و دیگری دست های توانا . انسان نخستین به تدریج یاد گرفت که به کمک دست های خود ، ابزار بسازد . اولین ابزارهای او پیش تر سنگی بودند . در ابتدا از سنگ ، شاخه ی درختان و استخوان حیوانات برای کندن زمین

و پیدا کردن ریشه ی گیاهان و سوراخ کردن پوست برای تهیه ی لباس استفاده می کرد . با گذشت زمان ، انسان ابزارهای بهتر و جدیدتری ساخت . برای مثال با بستن یک دسته ی چوبی به یک سنگ لبه تیز ، تبر ساخت یا با بستن یک سنگ نوک تیز به یک قطعه چوب نیزه درست کرد . او با استفاده از این ابزارها توانست بهتر از گذشته حیوانات را شکار کند .

## **کشف آتش**

در ابتدا ، انسان ها از آتشی که در اثر رعد و برق به وجود آمد ، می ترسیدند و فرار می کردند . اما بعدها کم کم به آن نزدیک شدند . آنها پس از مدتی پی بردند که با به هم زدن بعضی سنگ ها می توانند آتش درست کنند . از آن پس از آتش برای گرم کردن خود ، روشنایی و پختن گوشت استفاده کردند . مدتی بعد از کشف آتش ، انسان توانست از آن برای ساختن ظروف سفالی ( پختن ظروف گلی ) استفاده کند . ( وزارت آموزش و پرورش ، ۱۳۸۲ : ۷۳-۷۱ )

## **دوره اسکان بشر در غار**

انسان غار نشین در این دوره برای تهیه خوراک خود به شکار می پرداخت و برای این منظور حيله را بیش از اعمال قدرت بکار می برد . وی به طرز استعمال چکش سنگی ، تبر دستی ، تبری که به چوبدستی شکافدار متصل بود ، آشنایی داشت . انسان در آن موقع یک نوع ظرف سفالین نا هموار را که بطور ناقص پخته بود بکار می برد و در پایان دوره سکونت در غار این ظروف از فرط دود خوردگی به رنگ سیاه سیر درآمده بود . در این جامعه بدوی وظیفه مخصوصی به عهده زن گذاشته شده بود . وی گذشته از آنکه نگهبان آتش و شاید اختراع کننده و سازنده ظروف سفالین بود ، می بایست چوبدستی به دست گرفته در کوهها به جستجوی ریشه های خوردنی نباتات یا جمع آوری میوه های وحشی بپردازد . شناسایی گیاهان و فصل رویدن آنها و دانه هایی که می آوردند مولود مشاهدات طولانی و مداوم بود و او را به آزمایش کشت و ورز هدایت می کرد . نخستین مساعی وی در باب کشاورزی در زمینهای رسوبی انجام گرفت و در همان حالکه مرد اندک پیشرفتی کرده بود ، زن با کشاورزی ابتدایی خود در دوره نئولیتیک اسکان در

غار ابداعات بسیاری کرد. در نتیجه می بایست عدم تعادلی بین وظایف زن و مرد ایجاد شود و شاهد همین امر اساس بعضی جوامع اولیه که زن در آنها بر مرد تفوق یافته بوده است. در چنین جوامعی و همچنین در جوامعی که تعدد شوهران برای زن معمول است، زن کارهای قبیله را اداره می کند و به مقام روحانیت می رسد و در عین حال زنجیر اتصال خانواده بوسیله سلسله زنان صورت می گیرد؛ چه زن، ناقل خون قبیله به خالص ترین شکل خود بشمار می رود. این طرز اولویت زن یکی از امور مختص ساکنان اصلی نجد ایران بوده و بعدها در آداب آریاییان فاتح وارد شده است. (مهرآبادی، ۱۳۸۰: ۴۴-۳۴)

در این قسمت به ذکر غارهایی در ایران پرداخته می شود که توسط باستانشناسان مورد بررسی هایی پیش از تاریخی قرار گرفته اند. تاریخ تخمین زده شده برای این غارها حدود ۷۵۰۰ سال ق.م تا اوخر هزاره دوم ق.م می باشد.

### غارهای کمر بند، هوئو و همجواری آن در مازندران :

در سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۱ کارلتون.س. کون از دانشگاه ویلادلفیا به مطالعه دقیق دوران پیش از تاریخ در غارهای فوق پرداخت. الف - غار کمر بند در نزدیکی بهشهر واقع است. در کاوشهای سال ۱۹۴۹ در این غار ۶ طبقه تشخیص داده شد که روی هم قرار داشت و مجموع این ۶ طبقه به ۲۸ قشر ۲۰ سانتیمتری تقسیم شد. این طبقات از نظر تاریخ میان دورانهای مزولیتیک و نئولیتیک واقع شده بود:

- ۱- طبقه بالا شامل آثار دوران نئولیتیک تا عصر حاضر بود. ۲- طبقه زیرین شامل سفالهای دوران نئولیتیک قدیم بود. ۳- طبقه سوم هیچ شباهتی به طبقه دوم از حیث آثار باستانی نداشت و در آن اثری از سفال بدست نیامد و نیز نشانه ای از کارهای زراعتی در آن دیده نمی شد. این دوره در عصر نئولیتیک پیش از سفال قرار دارد. ۴- طبقه چهارم شامل آثار پالئوتیک جدید یا دوران مزولیتیک بود (مثلاً چاقوهای کوچک از سنگ چخماق سیاه)، ضمناً استخوانهایی شبیه به استخوانهای آهوهای پیش از تاریخی معروف به لاگاز لاسوب گوتروزا در آن طبقه دیده می شد. ۵- در این طبقه اشیایی شبیه به اشیاء طبقه چهارم پیدا شد. بعلاوه در آن تیغه هایی از سنگ چخماق و قطعاتی از سگ دریایی نیز دیده

شد. ۶- طبقه آخر شامل خاک رس و شن و ماسه بود که در روی قشر های آب زیر زمینی قرار داشت. کاوشهایی که در سال ۱۹۵۱ در این ناحیه به عمل آمد، نتایج پیدایشهای سال ۱۹۴۹ را تأیید کرد. کارلتون کون پس از اینکه تحقیقات متخصصان مختلف را دقیقاً بازرسی کرده به این نتیجه رسیده که در دوره مزولیتیک جدید، ساکنان غار کمر بند زندگی خود را با شکار خصوصاً شکار آهو یا بز کوهی و گوسفند و بز وحشی می گذرانده اند. این دو حیوان اخیر را در همان زمان تدریجاً اهلی کرده اند و در خدمت خود قرار دادند. در دوره نئولیتیک قدیم، ساکنان غار مزبور اوقات خود را مصروف تربیت حیوانات اهلی می نمودند و گله های بز و گوسفند خود را به چراگاه می بردند. در دوران نئولیتیک جدید غارنشینان مزبور به کار زراعت پرداختند. در همان زمان نیز مردم نامبرده با هنر بافتنی و کوزه گری آشنایی پیدا کردند. از آن پس پشم و شیر بز مورد استفاده آنها قرار گرفت. کمی بعد خوک و بز کوهی نیز اهلی شد. بنابراین زراعت و اهلی شدن حیوانات در این ناحیه را می توان در آغاز هزاره چهارم ق. م قرار داد. ب - غار هوتو نزدیک تریجان واقع است. آزمایشهایی که با روش کربن ۱۴ به عمل آمد، نشان داد که طبقات نئولیتیک غار هوتو متعلق به حدود ۶۰۰۰ ق. م بوده است و آثار طبقات مزولیتیک در آن ناحیه میان ۶۰۰۰ و ۸۰۰۰ سال ق. م واقع شده است. باقیمانده های استخوانهایی نیز بدست آمد که یکی از آنها مجموعه یک دختر ۱۲ ساله از نوع معروف به انسان نئاندرتال بود. نمونه هایی از غلات و یک چنگال از جنس شاخ حیوان که از عهد نئولیتیک قدیم بود، در این طبقه دیده شد. بطور کلی در این غار آثار تمدن دوران آهن و برنز و تمدن دورانهای کالکولیتیک و نئولیتیک سفال موجود است. ج - غار همجوار غار هوتو: در سال ۱۹۵۱ در این غار کاوشهایی به عمل آمد. ابتدا گودالی به عرض ۳ متر و طول ۵ متر و عمق ۷/۲۵ متر کنده شد. در عمیق ترین نقطه این گودال به سنگریزه های هعهد یخچالها برخوردند. این گودال را گودال A نامیدند و در آن تعداد زیادی طبقات از عهد آهن تا دوران نئولیتیک دیده شد و در قسمت پایین آن آثار دوران پالئولیتیک نیز به چشم می خورد. برای تحقیق بیشتر کاوش کنندگان یک گودال فرعی در میان طبقات دوران یخ بندان به عرض و طول ۲ متر در ۲ متر کردند و در

آن چهار قشر متمایز را مشخص نمودند که شامل سنگ ریزه های سیاه بود در فاصله هر یک از این قشرها ماسه و لای قرار داشت. زیر این طبقات که از دوران یخچالها بود، قشر دیگری از ماسه دیده شد و بالاخره کمی پایین تر به قشری از سنگ ریزه قرمز رنگ مخلوط با ماسه و خاک رس برخورد کردند. در این قشرها اشیایی از سنگ چخماق بدست آمد که متعلق به دوران پالئولیتیک بود. در قشر چهارم در این طبقه و در زیر قشر سنگ ریزه ها سه اسکلت انسان پیدا شد که احتمالاً در حدود ۷۵۰۰ سال ق.م در این منطقه زندگی می کرده اند.

در کنار غارهای ذکر شده در فوق، کارلتون کون غارهای علی تپه، رستم قلعه و گلره (نزدیک رستم قلعه)، بیستون، تمّتا و خونیک را نیز مورد بررسیهای پیش از تاریخی قرار داد.

## ۲- غار تنگ پَبده در کوههای بختیاری :

ر. گریشمن در سال ۱۹۴۹ این غار را که در شمال شرقی شوشتر و در کوههای بختیاری بود کشف کرد. این غار از زمان نئولیتیک تشخیص داده شده و تمدن آن همزمان با تمدن طبقه اول سیلک می باشد. از سه طبقه این غار اشیاء متعدد از سنگ و استخوان و تعداد زیادی قطعات سفال بدست آمد.

## ۳- غارهای دره خرم آباد لرستان :

اکتشافات مزبور توسط ف. هول صورت گرفت. دره خرم آباد به طول ۱/۵ کیلومتر و عرض ۱۰ کیلومتر بین کوههای آهکی که به موازات هم کشیده شده، در ارتفاع ۱۱۷۰ متری از سطح دریا واقع شده است. کوههای اطراف به صورت یک منبع ذخیره آب درآمده و در نتیجه بر خلاف سایر دره های لرستان، دره خرم آباد دارای چشمه های آب خنک و تعدادی غار می باشد. هول ۱۷ محل اقامتگاههای انسانی دوره پالئولیتیک را این دره یافت. ۵ غار از این غارها یا مورد آزمایش قرار گرفتند و یا اینکه کاملاً حفاری شدند. متجاوز از ۹۰۰۰ ابزار سنگی جخماقی دستکاری شده و ۶۰۰۰ تکه استخوان حیوانات قابل تشخیص بدست آمد. هول تاریخ این آثار را احتمالاً مربوط به اواخر دوره موستری و آنها را حاکی از سکونت دامنه دار و مداومی در زاگرس می داند. از مشخصات این دوره وجود سر نیزه های مثلثی شکل

و تیغه های جانبی می باشد که تقریباً تعدادشان سه برابر سر نیزه ها می باشد . مته و قلمهای حکاکی ساده ای با تعداد نسبتاً کم مشاهده شده اند .

#### ۴- غارهای هیو در استان مرکزی :

در استان مرکزی ، در حدود ۸ کیلومتر بعد از هشتگرد به طرف قزوین و کنار جاده کارخانه سیمان آبیک ، یک جاده شوسه به طول ۴ کیلومتر به طرف کوهی که غارها در دامنه آن قرار دارند ، امتداد یافته است . در آنجا ۳ سغار به فاصله تقریباً ۱۵ متر از یکدیگر قرار دارند . یحیی کوثری باستانشناس ایرانی در سال ۱۳۵۳-۵۴ در این ناحیه بررسی هایی به عمل آورد و آنها را مربوط به دوران پارینه سنگی دانست . ( مهرآبادی ، ۱۳۸۰ : ۳۸-۳۴ )

#### دوره اسکان بشر در دشت

در هزاره قرن پنجم ق.م خشک شدن روز افزون دره ها که معلول پیشرفت دوره بی آبی بود موجب تغییراتی ژرف در شرایط زندگانی انسان گردید . دریاچه عظیم مرکزی کوچک شد و سواحل آن - که روها در آن ذخیره ای از لای حاصلخیز به جا گذاشته بودند - از مراتع و مرغزارهای وافر پوشیده گردید . جانورانی که در کوهها می زیستند ، به سمت چمنزارهایی که تازه پدید آمده بود ، فرود آمدند و انسان که به وسیله شکار زیست می کرد ، آنها را تعقیب کرد و در دشت اقامت گزید .

۱- **تپه سیلک کاشان :** قدیمی ترین محل سکونت بشر که در دشت شناخته شده می باشد علایم سکونت اولیه انسان در این موضع در پای تپه ای مصنوعی درست بر فراز خاک بکر یافت شده است .

**الف - عهد اول سیلک :** در این عهد که مربوط به هزاره پنجم ق.م می باشد ، انسان هنوز طرز ساختن خانه را نمی دانست و در زیر آلودگیهایی که از شاخسار درختان درست شده بود خود را محافظت می کرد . سپس به زودی چینه های مخروطه محقری بر سر بقایای مساکن پیشین ساخته شد . وی همچنانکه به شکار خود ادامه می داد ، فعالیتهای فلاحتی را توسعه می بخشید و به ذخیره کردن آذوقه می پرداخت . استخوان گاو و گوسفند اهلی در بقایای این عهد پیدا شده است . علاوه بر ظروف سفالین و

سیاه و دود زده که در غارها با دست و بدون چرخ ساخته می شد ، یک نوع ظروف تازه قرمز هم پیدا شده که در کوره های بسیار ابتدایی می پخته اند و عوارض این پخت و پز ، قطعات سیاه رنگی بر سطح آنها به جا گذاشته است . در این زمان نخستین پیشرفت در فن کوزه گری صورت گرفت و آن پیدایش ظروف منقوش بود . در اواخر این عهد نخستین اشیای کوچک مسین که هنوز چکش کاری می شد ظهور نمود . این انسان تازه دریافته بود که مس ، نرم و قابل تورق است . اما هنوز طرز ذوب کردن آن را نمی دانست .

**ب - عهد دوم سیلک :** این مرحله در هزاره چهارم ق.م عبارت از دوره ای است که اندکی پیشرفته بود . بقایای این عهد بر روی آثار مربوط به نخستین دوره سکونت بشر در دشت اندوخته شده است .

در این دوره خانه وسیعتر گردید و دارای درهایی شد که محل نصب آنها اکنون مشهود است . چینه جای خود را به خشت گلی که تازه اختراع شده بود داد . اما در این عهد ، خشت فقط کلوخه ای از خاک بود که آن را در کف دست با خشونت درست کرده ، در آفتاب خشک می کردند . گودیهای داخل آن که به وسیله انگشت ابهام ایجاد می شد ، خود موجب اتصال ملاط می گردید . در زیر خاک کوفته ، نزدیک اجاق در جایی گود که مختص جام و کاسه بود و در عمقی قریب به ۱۵ یا ۲۰ سانتیمتر میت را به طرز خمیده و منحنی دفن می کردند . در این دوره یک نوع ظروف دیگر در جوار مصنوعات قدیم به ظهور رسید که کوچکتر از آنها بود ولی با دقت بیشتری ساخته و به طرز بهتری در کوره اصلاح شده ای پخته می شد . پیدایش این ظروف نشانه اختراع چرخ است که عبارت از یک تخته ساده باریک بود که روی زمین قرار می گرفت و شخصی آن را می چرخانید . فلز بتدریج برای ساختن ابزار مورد استفاده قرار گرفت و سنگ نیز ارزش اولی خود را حفظ کرد . مس را هنوز چکش کاری می کردند ولی ذوب نمی کردند و آن را برای درفشهای کوچک یا سنجاق بکار می بردند . علاوه بر استخوانهای حیوانات اهلی مربوط به عهد قبل استخوانهای نوعی از سگ تازی و اسبی از نوع پرزوالسکی نیز بدست آمده است . استخدام این چهارپایان مساله مسافرت و حمل و نقل را حل کرد و از سوی دیگر کشت مزارع را تسهیل نمود . دهکده به سرعت ترقی کرد . بشر که خیش را از سابق استعمال می کرد ، با توسعه فعالیت وی در رشته کشاورزی بر آن شد



که بیش از پیش طرز کار کردن اجتماعی را بپذیرد و از مدد همسایگان خود در ساختمان خانه ، هموار کردن زمین و آبیاری استفاده کند . زن ، خود را با باغ مشغول می داشت . غذا تهیه می کرد و هنوز به ساختن ظروف سفالی نیز می پرداخت . اما صنعت مذکور در این عهد به دست پیشه ورانی افتاد که هنوز چرخ کوزه سازی را بکار می بردند . در این زمان تجارت توسعه یافت و مبادلات متداول می گردید . جو و گندم که بومی ایران است ، از ایران هم به مصر و هم به اروپا وارد می گردید . ارزن که اصل آن از هند بود به ایتالیا فرستاده می شد و برعکس جو دوسر و خشخاش اروپا در آسیا رواج داشت و حتی به چین هم می رسید . ج

**— عهد سوم سیلک :** این دوره نیز در هزاره چهارم ق. م بوده است . در این زمان در معماری ماده جدید ظهور کرد . بدین معنی که آجر بیضوی شکل متروک گردید و بجای آن آجر صاف و مستطیل که با خاک نرم ساخته می شد و هنوز هم مورد استعمال است ، به کار برده شد . محله های دهکده که کوچه های تنگ و پیچاپیچ آنها را قطع می کرد ، به وسیله مرزها از یکدیگر مجزا می گردید . دیوارهای خارجی خانه ها برای کسب نور و سایه دارای فرورفتگیها و برجستگیها بود و پی آنها گاهی بر سنگهای خشک نهاده می شد . درها همچنان پست و تنگ بود و ارتفاع آنها معمولاً از ۸۰ و ۹۰ سانتیمتر تجاوز نمی کرد . پنجره نیز متداول بود و عموماً به طرف کوچه باز می شد . قطعات سفالی بزرگ که در دیوار کار می گذاشتند ، خانه را از رطوبت حفظ می کرد . تزیین داخلی همچنان با رنگ قرمز صورت می گرفت اما رنگ سفید هم در این عهد پدید آمد . مرده را هنوز در کف خانه دفن می کردند و همراه میت مقدار بسیاری لوازم در قبر می نهادند . در این دوره پیشرفت قطعی ای که ما هنوز از فواید آن برخورداریم در صنعت کوزه گری ایجاد شد و آن اختراع چرخ و کوره آجرپزی با ضمائم آن بود . صنعت فلزکاری نیز به ترقی خود ادامه داد . مس را ذوب و ریخته گری می کردند و شماره و تنوع اشیاء بیش از پیش بود . اما ابزار سنگی همچنان مورد استعمال و استفاده عموم بود و بتدریج جای خود را به تبر هموار مسی و کج بیل دارای ثقبه اتصال داد . دشنه ها و چاقوهای مسین در خانه های متعلق به این دوره یافته شده است . پیشه ور به ساختن لوازم آرایش آغاز کرده بود ، از قبیل آئینه و سنجاچه های بزرگ با سر نیمکره شکل . جواهر بیش از پیش تنوع یافت و از حیث مواد غنی تر

شد. برای تشخیص مالکیت، مهر را استعمال می کردند: روی کلوخه ای از گل رس علامت گذاری می شد و آن را در دهانه خمره جا می دادند و یا به طنابی می بستند. در ابتدا تزیینات هندسی قاعده اصلی بود، اما بزودی تجسم اشکال انسان، نباتات و برخی علایم بدون شک از تزیینات ظروف سفالین الهام گرفته بود و شاید مانند همان تزیینات مفهوم تحریر را داشت، معمول گردید. جامعه با آنکه از لحاظ خانواده بیش از پیش توسعه یافته بود، قرن‌ها در مرحله ماقبل تاریخی باقی ماند.

**۲- خوزستان:** دشت رسوبی خوزستان از دوران‌هایی بس قدیم در حدود ۱۰۰۰۰ سال ق.م مورد سکونت اقوام پیش از بوده است. این اقوام پیش از تاریخ در این دشت، تمدنی را بوجود آوردند که از مشخصات آن نوعی سفال نخودی رنگ ظریف و زیبا بود و به همین لحاظ در باستانشناسی به نام تمدن سفال نخودی رنگ شناخته شده و نامگذاری گردیده است. سفال نخودی رنگ این تمدن همراه با خصوصیات دیگر آن در منطقه وسیعی گسترش یافت و به نقاط مجاور و نواحی اطراف این تمدن راه یافت. این تمدن سفال نخودی رنگ به تدریج به مراحل کمال رسیده و در این هنگام مرکز آن یعنی شهر شوش، دوران و مرحله یک اجتماع کشاورزی را پشت سر گذارده و در حدود اواخر هزاره پنجم ق.م به مرحله دوران شهرنشینی رسید. نفوذ این تمدن که در زمینه شهرنشینی و صنایع پیشرفت قابل توجهی نموده بود، بتدریج به مناطق همسایه و همجوار سرایت کرد و آنها را تحت تاثیر خود قرار داد. آثار و بقایای سفال منقوش و مشخص آن که به نام سفال نخودی مشهور است، در منطقه وسیعی از شرق دریای مدیترانه تا دره رود سند، در حفاریهای باستانشناسی در مناطق باستانی آشکار گردیده است. پیشرفت صنایع به همراه وضع پیشرفته و شکوفای اقتصادی اقوام مسکون در دشت شوش را بدانجا رسانید که ساختمانهای عظیم عام المنفعه احداث کردند و مبادلات تجارتي که در این هنگام در این شهر و نواحی مجاور آن انجام می گردید، بتدریج ضرورت ثبت و ضبط این مبادلات را ایجاب نموده و راهگشای علائم ابتدایی بدین منظور گردید و به زودی به مرحله نحوه کتابت خطوط تصویری و ابتدایی - که بهترین وسیله ثبت و ضبط این مبادلات بودند منجر گردید. بتدریج اقوام پیش از تاریخ دشت شوش، مراحل ابتدایی خطوط تصویری را پشت سر گذارده و در

حدود اواسط هزاره چهارم ق.م این اجتماع وارد دوران تاریخی گردید . (مهرآبادی ، ۱۳۸۰ : ۳۸-۴۰)

## **تصور انسانهای اولیه از آسمان**

همه اون چیزهایی که تا الان گفتیم تصویری است از جهان به صورتی که به چشم انسانهای نخستین جلوه می کرد و آنها آن را باور داشتند .

آنها عقیده داشتند که زمین هموار است چرا که زمین همواره به نظر می آمد . همچنین عقیده داشتند که افق کناره زمین است زیرا هرگز آن سوی افق را نمی توان دید و باورشان بر این بود که آسمان سقف گنبدی دنیاست .

به نظر برخی از انسانهای نخستین ، ستاره ها چراغهایی بودند آویخته از آسمان ، درست مانند چراغ برقی که از سقف خانه آویزان است و به عقیده برخی دیگر بر فراز آسمان بهشت بود و ستارگان روزنه هایی بودند که روشنایی بهشت از آنها بیرون می تراوید . این بود نخستین پندار انسان درباره جهان .

امروز می دانیم که این باورهای نخستین حقیقت ندارند ، اما مسلم است که بر پایه آنچه انسان می دید ، بنا شده بودند . اگر کسی نبود که ما را از آموخته های گذشته انسان با خبر سازد ما نیز شناسایی جهان را با همان دید آغاز می کردیم . ( اینترنت ، سایت [Danesh nameh – Roshed.com](http://Daneshnameh-Roshed.com) )

## **سازگاری یافتن با آب و هوای سرد**

توانایی هومونیدها ، میمون های انسان نما ، در ساختن ابزار ، شکار جانوران و جمع آوری غذا این موجودات را قادر ساخت تا بر سراسر جهان مسلط شوند .

مردم در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش برای اولین بار وارد استرالیا شدند ، تا قبل از ۳۰۰۰۰ سال پیش آنها در سراسر قاره پراکنده شده بودند و از سرزمینهای خطرناک عبور کرده بودند چنین مهاجرتی در آن زمان می توانست همانند سفر بشر به کره ماه در قرن بیستم اهمیت داشته باشد . ( اینترنت ، سایت قبلی )

## **دین و فرهنگ جوامع اولیه**

شناخت شیوه های ابزار سازی و زندگی جوامع اولیه کار ساده ای نیست اما به سختی آشنایی با آداب و رسوم و آیین های آنان نیز نیست . جوامع اولیه چه آداب و رسومی داشتند ؟ درباره ی جهان و خلقت آن چه تصویری داشتند ؟ مراسم ازدواج و امور خویشاوندی آنان چگونه بود ؟ آیا همچون عصر ما ، در طول سال روزهای ویژه ای برای جشن و عزا و اجرای سایر مراسم اختصاص داده بودند ؟

پاسخ اینگونه پرسشها مشکل است . اما باستان شناسان و انسان شناسان به کمک آثار باقیمانده از آن عصر و نیز مطالعه آداب و آیین های قبایل و جوامعی که در عصر ما هنوز به شیوه های نسل های قبل از خود زندگی می کنند ، همچنین از طریق افسانه ها و اسطوره های باقیمانده از روزگاران کهن کوشیده اند به نکاتی پی ببرند .

در نوشته های تاریخی مسلمانان نیز می توان به نکاتی در این مورد دست یافت .

بر اساس تعالیم قرآن کریم ، انسان نخستین یکتا پرست بوده اند اما گروهی از آن ها از راه راست منحرف و مشرک شده اند . امام علی (ع) نیز این موضوع را در خطبه ی نخست نهج البلاغه بیان فرموده اند . در خطبه ی مذکور می خوانیم که پس از خلقت حضرت آدم ، خداوند همواره پیامبرانی را برای راهنمایی بشر فرستاده است تا او را که از فطرت الهی خویش دور شده بود . دوباره به راه راست هدایت کند . به گفته ی امام (ع) هیچ دوره ای نبوده که در آن ، پیامبری مبعوث نشده باشد . از طرفی پژوهشگران از بت پرستی ، شرک و رواج جادو و خرافه پرستی در دوران پیش از تاریخ حکایت می کنند . هر چند مردم سومر خاطره ی طوفان نوح (ع) و رسالت آن حضرت را از نسل های قبل از خود شنیده بودند ولی با وجود این می بینیم که پیامبران پیش از تاریخ هم چون پیامبران دوره ی تاریخی شناخته شده نیستند . با این حال مسلم است که مردمان جوامع اولیه مردمانی دیندار و پای بند به دستورات دینی خود بودند ولی عقاید آنان آمیخته به خرافه بود . آن ها به زندگی در دنیای دیگر اعتقاد داشتند اما می پنداشتند که انسان در قبر نیز به خوراک و پوشاک نیاز دارد . به همین گله داری رواج یافت . اسب نیز نخستین بار در همین منطقه اهلی شد و مورد استفاده قرار گرفت . یکجا نشینی موجب توسعه ی خانه سازی ، تهیه ی انواع ظرف ، پارچه و سفال نیز شد .

اختراع چرخ از دیگر دستاوردهای مهمی بود که تاثیر به سزایی در سرنوشت بشر گذاشت . چرخ کوزه گری ، آسیاب و آرا به از جمله ارمغان های اختراع چرخ است .

در فاصله ی ۱۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پیش بشر توانست فلز را بشناسد و از آن در ساخت ابزار استفاده کند . نخستین فلزی که کشف شد مس بود . ذوب فلز و قالب ریزی آن، بلافاصله پس از کشف آن آغاز نشد بلکه تا مدت ها مس را به همان صورت طبیعی می کوبیدند و مورد استفاده قرار می دادند . احتمالاً ، قلع دومین فلزی بود که مورد استفاده ی انسان قرار گرفت ؛ پس از کشف آهن و رواج بهره برداری از آن ، تحولات عمیق تری در زندگی انسان پدید آمد . داس ، اره ، خنجر و قیچی به فراوانی مورد استفاده ی ساکنان دهکده ها قرار گرفت . پیدایش اجتماعات یکجا نشین و توسعه ی ابزار سازی و کشاورزی بیش از همه در مشرق زمین به ویژه در خاورمیانه صورت گرفت و مقدمات پیدایش تمدن های بزرگ را در دوره های بعد فراهم ساخت . به همین دلیل نخستین تمدن ها از قبیل سومر ، مصر ، ایلام ، هند ، چین و نیز تمدن های آسیای صغیر مربوط به این منطقه از جهان است .

جوامع یکجا نشینی بیش تر در کنار رودهایی نظیر دجله ، فرات ، کارون و سند ساکن بودند . استفاده از زمین برای کشت و زرع مستلزم مسطح کردن زمین ها ، زه کشی آن ها و استفاده از کانال آبیاری است . انجام این امور و نیز کارهای مربوط به پاشیدن تخم و جمع آوری محصول مستلزم کار دسته جمعی است . به همین دلیل با پیدایش نخستین دهکده ها و تقسیم کار ، به تدریج شیوه ی جدیدی از زندگی اجتماعی به وجود آمد که با زندگی در غارها ، جنگل ها و کوچ نشینی متفاوت بود . زندگی در دهکده ها لزوم وجود فردی برای مدیریت روستا و حل و فصل اختلافات را مطرح ساخت . هم چنین بر اثر تولید محصول اضافی و ظهور شغل های جدید از قبیل سفالگری و ساخت ظروف فلزی ، داد و ستد رواج داد و ستد و ضرورت ثبت معاملات و مقدمات اختراع خط فراهم شد . دلیل هنگام دفن مردگان ، خوراک و ابزارهای لازم برای زندگی را همراه آنان در قبر می نهادند . برخی جوامع ، مردگان را در محل سکونت دفن می کردند . بسیاری از جوامع کهن می پنداشتند که نیروهای آسمانی موجب صاعقه ، سیل ، قحطی و

بیماری می گردد و نیز نیروهای غیبی موجب نزول باران و فراوانی نعمت و آسایش مردگان می شود . در نتیجه ، برای راضی نگه داشتن خدایان آداب و رسوم ویژه ای داشتند . بسیاری از جوامع اولیه خود را از نسل یکی از جانوران می دانستند . همچنین جوامع اولیه برای آتش نیز حرمت و قداست زیادی قائل بودند . ( آموزش و پرورش ، ۱۳۸۵ : ۱۳-۸ )

## تکامل انسان

باستان شناسان می توانند درباره تکامل انسان با مطالعه باقیمانده اسکلت های انسانهای نخستین ، مطالب زیادی را کشف کنند انسان در طول سیر تکاملی خود به تدریج دارای جمجمه های بزرگتری شد . فک ها و دندان ها کوچکتر شدند . جمجمه هوموایرکتوس با جمجمه انسان امروزی تفاوت بسیار دارد .

### ۱۰۰۰۰۰ سال پیش

قدمت فسیلهای باقی مانده از نئاندرتالها که در اروپا ، خاور میانه ، شمال آفریقا و آسیا پیدا شده اند به این تاریخ باز می گردد . انسان نئاندرتال با هیکل کوتاه ، ستبر و نیرومندش دارای مغز بزرگی به اندازه ۱/۴۵۰ سی سی بود . او مانند انسان امروزی راه می رفت و در غارها زندگی می کرد و ابزارهای سنگی و نیزه های چوبی استفاده می کرد و احتمالاً مردگان خود را دفن می کرد ( امروزه نسل نئاندرتال نه به عنوان نیای بشر امروزی ، بلکه تنها به عنوان یکی از اعقاب هوموایرکتوس شناخته می شود ) . نخستین شواهد دال بر پیدایش بشر امروزی هوموساپینزسپینز ( انسان هوشمند ) به این زمان باز می گردد . هومو ساپینز در آفریقا همزمان با انسان نئاندرتال خاورمیانه زندگی می کرد اولین آثار هنری از این دوره باقی مانده است .

۴۵۰۰۰ - ۳۵۰۰۰ سال قبل انسان امروزی به اروپا قدم می گذارد .

۴۰۰۰۰ سال پیش انسان امروزی به استرالیا قدم می گذارد .

۳۵۰۰۰ سال پیش طبق مدارک باستانشناسی انسان نئاندرتال در این تاریخ از روی کره زمین محو می گردد .

۱۵۰۰۰ سال پیش انسان امروزی در آمریکای شمالی حضور دارد .

شواهدی دال بر وجود استرالوپیتته کوس ( میمون جنوبی ) در جنوب و شرق آفریقا به دست آمده است استرالوپیتته کوس دارای دو گونه مشخص - یکی با جثه ای لاغر و سبک و دیگری درشت اندام و سنگین وزن - می باشد هر دوی آنها دارای مغزی کوچک شبیه به مغز میمون هستند هر دو گونه احتمالاً می توانند بر روی دو پایشان بایستند و راه بروند استرالوپیتته کوس همچنین ابزارهای سنگی ابتدایی می سازند .

شواهدی مبنی بر وجود هوموهیبیلی ( انسان چالاک ) در نواحی جنوبی صحرای شمال آفریقا به دست آمده است هوموهیبیلی ها دارای مغز بزرگ با حجمی در حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ سی سی ( سانتیمتر مکعب ) و دندانهایی نسبتاً کوچک هستند این موجودات که نخستین ابزار ساز واقعی محسوب می گردد قادر است دستهای خود اشیا را بدقت جا به جا کند و بخوبی روی دو پایش بایستد و راه برود .

۲۵۰۰۰۰ سال پیش : در این زمان هوموایرکتوس (انسان راست قامت) احتمالاً در جاوه ، چین و نواحی شرقی و شمالی آفریقا و همچنین در اروپا زندگی می کرده است او یک ابزار ساز ماهر و دارای مغزی به بزرگی ۱۰۰۰ سی سی (سانتیمتر مکعب) بوده که مستقیم و روی دو پا راه می رفته در غارها زندگی می کرده حیوانات را شکار می کرده و به آتش تسلط پیدا کرده بود امروزه اعتقاد بر آن است که هوموایرکتوس اجداد مستقیم بشر امروزی و یا انسان نئاندرتال بوده اند . ( اینترنت: [fa.wik:pedia.com](http://fa.wik:pedia.com) )

## نتیجه گیری

بطور کلی ، در خلال تعطیلات ، انسان اوقات فراغت زیادی دارد . مدرسه ای نیست که برود ، ادارات نیز تعطیل بوده و کارها طوری ترتیب داده شده که انسان باید بنحوی خود را مشغول کند . ممکنست کار مختصر خریدی در میان باشد و یا بخواهد کسی در انجام کارهای خانه سهیم و شریک باشد . ولی باز هم فرصت های زیادی وجود دارد ، که انسان میتواند با پرداختن به تفریحات مورد علاقه اش ، خود را سرگرم کند . تصور کنید که اگر انسان ناگریز باشد ، پیش از صرف صبحانه اش ، فقط برای تهیه آن کیلومترها مسافت را طی کند ، ایام عمرش چقدر مشقت بار خواهد بود . حال به زندگی انسانهای نخستین برمی گردیم : مردمی که ناچار بودند برای حفظ خود در مقابل حیوانات در شبی که پیش روی دارند همه روز را جمع آوری هیزم مشغول شوند تا در کلیه ساعات تاریکی ، آتشی مشتعل باشد که بدانوسیله خود را گرم نگهداشته و از شر جانوران درنده درامان باشند .

آدمی که برای تهیه لباسش مجبور بود که وسایل ابتدائی سنگی و با تحمل مشقات فراوان پوست جانوران را بطریقی آماده و بدوزد و یا انسانهایی که تهیه غذایشان منوط به بدام انداختن حیوانات ، از پوست کندیشان و قطعه و قطعه کردن گوشت آنها ، با وسایل اولیه و سنگی که روز قبل آنها را ساخته بود با توجه به این مسائل تصدیق خواهید کرد که وقت اضافی بجای نمیماند .

مع الوصف مشخص شده است که در حدود ۳۵ هزار سال پیش انسان به آنچنان تمدن و شهر نشینی دست یافته بود تا علاوه بر ساعاتی را که برای بقاء خود می کوشید ، فرصت و وقت اضافی در اختیار داشته باشد و در طی این اوقات فراغت بود که توانست گردنبندها و طوقهائی برای گردن و مچهای خود بسازد و یا اشکال کوچکی را روی سنگ منقوش سازد و یا تصاویر زیبایی از حیوانات با حالاتی دراماتیک نقاشی کند و غارهایی را که در فرانسه و اسپانیای امروزی قرار دارند ، زینت بخشید .

بدینسان می بینیم که انسان جدیدی قدم بعرصه هستی و میدان تنازع بقا میگذارد . بشر جدید ، با خصوصیاتی که ذکر شد ، هنوز از شکار گذران میکرد و با بدام انداختن جانوران وحشی ، غذای خود را بدست می آورد .

با از بین رفتن توده یخهای شناور دوران یخبندان در قسمتهای جنوبی اروپا و سرازیر شدن آنها بسوی شمال



و کشانده شدن گروه کثیری از حیوانات به جنگلهای فرانسه و اسپانیا و آلمان ، گوشت شکار بحد وفور بدست میآمد . ده هزار سال بعد جمعیت اروپا و خاورمیانه رو بافزایش نهاده و بتدریج پیدا کردن شکار مشکل مینمود و نیاز شدید به کشف منبع غذائی جدید احساس می شد . در فلسطین مردمی که با ناتوفی معروفند ، در پی توسعه و تکمیل راه و روش زندگی نوینی بودند . از آنجائیکه این گروه افرادی چادر نشین بودند ، به تربیت و اهلی کردن حیواناتی نظیر سگها و بزها همت گماشتند . طریقه درو کردن دانه ای وحشی غلات و حبوبات را با داسهای دسته استخوانی که از سنگ چخماق ساخته شده بود ، یاد گرفتند .

با گذراندن این مرحله توسعه و ترمیم امور کشاورزی و تربیت حیوانات میسر شد . در واقع انسان میتواند خیلی زود به کشاورزی سر و سامان و وسعت بخشد . کشت و درو دانه ها ، این امکان را بوجود آورد که اقامتگاههای دائم و یا دهکده ها را در مناطقی اختیار کنند که در آنجا می توانستند خرمنهای جو را باد داده و دانه های بدست آمده را در آسیابهای سنگی ابتدائی برای مصارف فوری یا انبار کردن برای مصرف در فصل زمستانی که در پیش بود ، خرد کنند .

نخستین محل اقامت این انسانها که بطور منطقی می توان آنرا شهر نامید ، جریکو Jericho بود . ساکنان جریکو هفت هزار سال پیش با وجودی که هنوز فن کوزه گری و سفالکاری شناخته نشده بود ، مع الوصف خانه های گلی و در اطراف شهر خود بدیوار کشی پرداختند . برای آبیاری مزارع گندم و جو و بذرک خود با کندن جویها آبرسانی میکردند . زیادی حبوبات و افزایش حیوانات خانگی و اهلی که جهت مصارف غذائی ذبح میشد این فرصت را به شهرنشینان داد تا از افرادی نظیر نقاشان ، کاهنان و مغازه داران که در تولید مواد خوراکی شرکت نداشتند ، حمایت و پشتیبانی کنند و باین طریق در جریکو ، پایه های نخستین پیدایش جلوه های باشکوه تمدن پی ریزی شد .

## فصل دوم

# پیداایش روستا

در مورد روستا و ده تعاریف متعدد و زیادی گفته شده ، ده یا روستا که در کتاب های نشر قدیم به صورت ديه هم دیده می شود ، در زبان پهلوی ده در پارسی باستان به معنی سرزمین و در اوستا به شکل دخیو آمده است .

در ایران ده از قدیمی ترین زمان یک واحد اجتماعی و تشکیلات و جایی بوده است که در آن گروههایی از مردم روستایی برای همکاری در زمینه های اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرد هم تجمع یافته اند. ده اساس زندگی اجتماعی ایران را تشکیل می دهد و اهمیت آن به اعتبار اینکه یک واحد تشکیلاتی در زندگی روستایی است ، در سراسر قرون وسطی و از آن پس تا به امروز برقرار بوده است .

در عرف ده عبارت از محدوده ای از فضای جغرافیایی است که واحد اجتماعی کوچکی مرکب از تعدادی خانواده که نسبت به هم دارای نوعی احساس دلبستگی ، عواطف و علائق مشترک هستند ، در آن تجمع می یابند و بیشتر فعالیت هایی که برای تامین نیازمندی های زندگی خود انجام می دهند ، از طریق استفاده و بهره گیری از زمین و در درون محیط مسکونی شان صورت می گیرد ، این واحد اجتماعی که اکثریت افراد آن به کار کشاورزی اشتغال دارند در عرف محل ده نامیده می شود .

پلاسید رامبد جامعه شناس فرانسوی می گوید : ده واحد اجتماعی ویژه ای است که با یک فضا در ارتباط متقابل است و این فضا به عنوان یک عنصر ضروری در نظام اجتماعی ده نقش دارد و به این ترتیب ده دارای بعد اجتماعی است که می تواند یکی از عوامل اساسی تشکیل دهنده آن به شمار می رود . ده محصول کنش های متقابل گروههای انسانی و فضا است ، میان اعضای ده رابطه ای محلی وجود دارد که نتیجه کنشهای متقابل تاریخی است و موجب پیدا شدن حافظه جمعی و محلی است و در نتیجه نوعی وجدان یا شعور جمعی به وجود می آورد .

تعریف ده در قانون اصلاحات اراضی در ایران ده چنین تعریف می شده است . ده یا روستا عبارت از یک

مرکز جمعیت و محل سکونت و کار تعدادی خانواده که در اراضی آن ده به کار کشاورزی اشتغال دارند و درآمد اکثریت آنان از طریق کشاورزی حاصل می شود .

رامبد می گوید روستا برآیندی از عناصر طبیعی و عناصر ساخته شده است که به گونه ای زمینه سازگاری فرد را با جامعه فراهم می آورد و موجب جامعه پذیری می شود . در ده بین گروه و فضای جغرافیایی محدود و بسته و ثابت نوعی روابط اقتصادی – اجتماعی – فرهنگی وجود دارد و این روابط موجب پیدایش وحدت و یکپارچگی گروه می شود و آن را از گروه دیگر متمایز می سازد . اجتماع ده دارای نیروی معنوی مسلط بر اعضایش است که بر رفتار افراد نظارت عالیه شدید دارد و آنها را به پیروی از هنجارهای اجتماعی وادار می کند و این نیروی معنوی همان سنت های روستایی و قوانین ثابتی است که بر جامعه ده حاکم است .

## تاریخچه روستا

به زمان اشکانیان بر می گردد . در آن بنا بر پاره ای نقل قولها و شواهد قدمت سکونت در این منطقه اند اما بنا به دلایل نامعلومی از بین رفته یا مجبور زمان عده ای در این محل برای سالیان زندگی کرده محکمتری دلالت بر این دارد که در حدود چهار قرن پیش تعدادی دامدار از به ترک محل شده اند . شواهد کاخک ، نوغاب و بینا باج دوباره این محل را برای اقامت برگزیده اند .

مردم آن زمان مناطق طبس، در روستا رو جهت تامین آب مورد نیاز خود به حفر قناتهایی در منطقه پرداختند و بتدریج جمعیت ساکن رو به افزایش نهاد .

از زبان ریش سفیدان محل حمله یاغی ها و راهزنان به مردم این منطقه که هنوز نیز داستانهای خود برآمده و به ساخت مامنی به شنیدنی است موجب شد که آنان به فکر آسایش و تامین جان ، انبار و برج و بارو اقدام کنند نام قلعه همراه با دهلیزهای زیر زمینی و حوض ، همچنین غیرت و رشادت در بین مردم منطقه معروف اهالی روستای استاد به تبحر در تیر اندازی که بنا گردید موجب هراس بیشتر یاغیان شد و این قطعه در بین بوده اند و به همین دلیل قلعه ای سرگدار معروف گردید . مردم ساکن روستا به خاطر آسایش و حفاظت بیشتر مردم منطقه بنام قلعه و مال خود اقدام به ساخت قلعه ای دیگر نیز کرده اند که به قلعه دوغ آباد معروف از ناموس و جان باشد . هم اکنون خرابه های قلعه سرگدار در ده قدیم و خرابه های قلعه دوغ آباد در می آبادی دوغ آباد موجود می باشد . معروف به قلعه سرگدار نمایی از قلعه بزرگتر ، وجود دو دالان بسیار قدیمی در محل روستا که هم اکنون در بهای ورودی آنها در اثر ریزش آوار و خاک بسته شده است نیز احتمالاً به جهت فرار از دست راهزنان بوده است . متأسفانه در حال حاضر اطلاعات چندانی از قدمت و چگونگی این دالانها که گفته می شود طول زیادی نیز داشته اند در دسترس نیست .

خانه های گلی توسط افزایش تدریجی جمعیت و کاهش نا امنی ها در منطقه موجب شد ساخت گفته می شود به دلیل اینکه افرادی مردم ساکن روستا در محدوده های دورتری از قلعه نیز آغاز شود خاصی داشته اند این منطقه بنام استاد نامیده شده از اهالی روستا در ساخت این خانه ها مهارت حاکی است نام بسیار قدیم استاد بوده است . همچنین پاره ای نقل قولها در بین روستاهای همجوار ، در دوران حکومت رضاخان با

توجه به جمعیت و موقعیت روستای استاد در آن زمان همه ساله یک نفر در روستا به این روستا به عنوان ده مرکز روستاهای اطراف تعیین شد که دهیار را انجام می داد عنوان کدخدا انتخاب می گردید و وظیفه بعضی سالهای کم آبی و خشک ، شغل اصلی مردم روستا در آن زمان دامداری و کشاورزی بوده که در کاشمر ، نیشابور و ... کوچ می کرده اند مردم جهت چرای دامهای خود به شهرهایی مانند کوهسرخ وجود حمامی نسبتاً مجهز و بهداشتی در آن زمان ؛ بیانگر اهمیت و توجه مردم روستا از دیرباز به نظافت و بهداشت می باشد . این حمام که گفته می شود قدمتی بیش از ۱۰۰ سال دارد در نوع خود داری ساختمانی مناسب بوده که جهت ثابت ماندن حرارات پایین تر از سطح زمین بنا شده است و در آن آب به وسیله ۲ دو ظرف بسیار بزرگ ( دیگ مسی ) که در کف خزینه قرار داشته اند گرم می شده است . این حمام در سال ۱۳۸۴ در فهرست آثار باستانی ایران به ثبت رسید . ( اینترنت : Roshed.com – Danesh nameh )

## **جغرافیای روستایی :**

در دهه های اخیر ، در بحث از جغرافیای روستایی عمدتاً عوامل و پدیده های طبیعی ، اجتماعی و اقتصادی و ارتباط میان آنها ، پیوسته مورد تاکید قرار گرفته است ، پیر ژرژ ( جغرافیدان فرانسوی ) جغرافیای روستایی را « بررسی کلی پدیده های بنیادی زندگی روستایی در محیط های گوناگون طبیعی ، اقتصادی و اجتماعی » می داند . به نظر برخی از جغرافیدانان دیگر ، جغرافیای روستایی بررسی الگوها ، شالوده ها و مسکن روستایی است ، بسیاری از جغرافیدانان انگلیسی و آمریکایی عمدتاً به بررسی آخرین تغییرات اجتماعی – اقتصادی ، نحوه بهره برداری از زمین و فضا می پردازند و به زیر ساختهای تاریخی و فرهنگی اجتماع روستایی توجه چندانی ندارند . پل وایت می نویسد: « جغرافیای کشاورزی در جهان توسعه یافته به طور سنتی عمدتاً به روابط اقتصادی در تولید زراعی می پرداخته است چرا که ارتباطات موجود میان زراعت و سایر جنبه های حیات روستایی به طور مجزا در جغرافیای روستایی مورد بررسی قرار می گیرد » . او ادامه می دهد که « در جهان در حال توسعه ، جغرافیای کشاورزی در حدی نسبتاً وسیع جنبه های اجتماعی و جمعیتی اجتماعهای زراعی را در بر می گیرد و از آنجا که فشارها و مسائل

شهری کمتر است ، جغرافیای روستایی بندرت مطرح می شود .)

جغرافیای روستایی اساساً بر شالوده ها ، دامنه و هدفهای این شاخه از دانش و نیز تمایز آن از سایر علوم به طور کلی و شاخه های دانش جغرافیا به طور اخص استوار شود . به دست دادن چنین تعریفی باید سه جنبه گو ناگون و مرتبط به هم را در خصوص اجتماع روستایی در نظر گرفت : الف ) مکان یا محیط طبیعی با توجه به ویژگیهای خاص آن و چگونگی میزان تاثیر عوامل گو ناگون در این محیط ( مکان ) از جمله موقعیت ، وضع ناهمواریها ، آب وهوا و پوشش گیاهی ، ب) نحوه بر پایی ، دامنه و پیامد های حاصل از فعالیتهای خاص انسان در مکان معین است . این فضا نمایا نگر نحوه استقرار خانه ها ، شیوه بهره بر داری از منابع ، روابط مالکیت و نوع ودامنه تولید و حتی چگونگی استقرار و جایگاه هر خانواده یا گروه در کل مجموعه یا اجتماع روستایی است . این جنبه ها هسته اصلی بررسیهای جغرافیایی روستایی تشکیل می دهد و تحت تاثیر دو دسته نیرو ، به طور دائم در تغییر و تحول است .

این تغییر و تحول ممکن است بسیار کند و بطئی باشد ، تا جایی که در دوره هایی خاص ، اجتماع روستایی ایستا به نظر آید، هر چند که هیچ اجتماعی ایستا نیست و همه افراد گروهها و اجتماعات همواره در حال رشد و دگرگونی اند . عوامل تغییر چشم انداز روستایی به دو دسته نیروهای درونی و نیروهای بیرونی تقسیم می شود . تاثیر بخشی این نیروها عمدتاً به نوع و دامنه روابط و همچنین ویژگی های نهادهای اجتماعی روستا - که خود متأثر از چشم انداز های طبیعی و فرهنگی اجتماع روستایی (در مقیاس کوچک) و کل جامعه ( در مقیاس کلان منطقه ای یا ملی ) است بستگی دارد . این نیرو ها بنیادهای اجتماع روستایی ، چه بنیادهای محیطی - اکولوژیک و چه بنیادهای اجتماعی - اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهد . نیروهای بیرونی بیشتر به دامنه روابط و پیچیدگی بستگیها و پیوندهای اجتماع روستایی با محیطها و فضاهای دیگر روستایی یا شهری بستگی دارد . هدف اساسی جغرافیای روستایی پیش از هر چیز شناخت این مجموعه ساختاری - کارکردی مبتنی بر روابط و کنش متقابل عوامل گوناگون است . جغرافیای روستایی عبارت است از بررسی و شناخت مکانی - فضایی و ساختاری - کارکردی اجتماع

روستایی به عبارت دیگر ، بررسی ، تحلیل و شناخت اجتماع روستایی با توجه به نقش نیروها و روندهای گوناگون محیطی - اکولوژیک و اجتماع - اقتصادی در فضای حاصل از فعالیتهای روستایی و نیز ساختار و کارکردهای گوناگون آن در مکان ، وظیفه اصلی جغرافیای روستایی است . جغرافیای روستایی ، ویژگی های اجتماع روستایی را حاصل نحوه کنش و واکنش گروههای روستایی در محیط و سازمانهای اجتماعی آن را نتیجه تقابل روابط درونی و بیرونی آن می شمارد و بدون آنکه روابط و نحوه زندگی گروههای انسانی را تابع محض قانونمندیهای محیطی بداند . نحوه عملکرد انسان را در مکان ، زمان و فضای خاص مورد بررسی قرار می دهد . همچنین می کوشد علل و زمینه های نابرابریهای محلی ، منطقه ای و ملی را در اجتماع روستایی دریابد و به سهم خود برای تعدیل و از میان برداشتن این نابرابریها به چاره جویی و ارائه طریق بپردازد . ( سعیدی ، ۱۳۸۴ : ۳۷-۳۳ )

## ریشه های جغرافیای روستایی

شالوده های اولیه جغرافیای روستایی را باید در نوشته های بازمانده از پیش از میلاد و پس از آن در آثار جغرافیدانان یونانی و سپس در آثار جغرافیدانان اسلامی ایران و عرب جستجو کرد . ابوریحان بیرونی ( ۳۶۲ تا ۴۴۰ ه . ق ) در کتاب *تحدید نهایات و الاماکن لتصحیح المساکن* ، نحوه اندازه گیری موقعیت نقاط و نیز نحوه استقرار آنها را نسبت به هم و نسبت به قبله مسلمانان تشریح کرده است . در این زمینه ، تا سده های میانه و حتی کم و بیش تا پیش از سده نوزدهم ، شالوده اطلاعات در مورد واحدهای مسکونی و بویژه نقاط شهری و روستایی مبتنی بر همین داده های پیشین و بخصوص ، اطلاعات موجود در آثار جغرافیدانان اسلامی بوده ، فریدریش راتسل بنیانگذار جغرافیای انسانی که خود تا حد زیادی تحت تاثیر یافته های کارل ریتز بود ، در کتاب خود ، جغرافیای انسانی به بررسی نحوه تاثیرگذاری عوامل محیط طبیعی بر شکل و وسعت سکونتگاهها پرداخت و یافته های او سرآغازی برای مطالعات جغرافیایی ناحیه ای بود . در سده بیستم بویژه پس از جنگ جهانی دوم بررسیهای روستایی مورد توجه جغرافیدانان قرار گرفت و جغرافیای روستایی به عنوان یکی از شاخه های متنوع دانش جغرافیا مطرح گردید .



جغرافیای روستایی در آغاز ، به عنوان بخشی از جغرافیای انسانی بیشتر از لحاظ نوع مسکن انسانی (جغرافیای مسکن ) مورد توجه بود .

بدینسان، در چهار چوب بحثهای مربوط به چشم اندازهای گوناگون فرهنگی ، چشم انداز روستایی مورد توجه جغرافیدانان ، بویژه جغرافیدانان آلمانی ، قرار گرفت . هرچند سالها طول کشید تا تبیین ساختاری - کارکردی چشم انداز های روستایی به طور همه جانبه به عنوان رویکردی کارکردی در شناخت جنبه های مکانی - فضایی سکونتگاههای روستایی با اقبال روبرو شود . (سعیدی ، ۱۳۸۴ : ۸-۷)

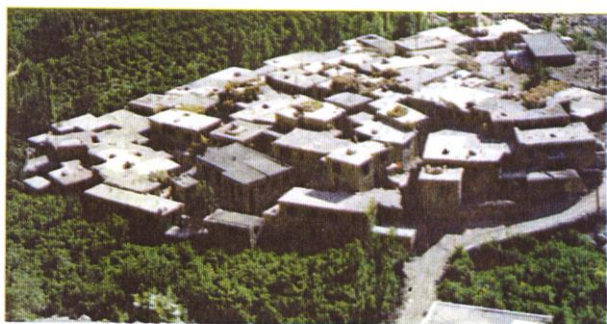
## **نقش آب در پیدایش سکونتگاه های ایران**

شکل گیری سکونتگاه ها در ایران بیش از هر چیز به میزان دسترسی به آب بستگی داشته است . به طوری که روستا های اولیه در کنار چشمه ها و رود ها دایر شده اند . و شکل استقرار خود را از مسیر آبها کسب کرده اند . در ایران امکان دسترسی به آب در کوهپایه ها و در دامنه های کوهستانها بیش از هر جای دیگر است . نخستین روستاهای داخل فلات ایران نیز در همین مناطق به وجود آمدند . علاوه بر آب ، جنس خاک نیز در ایجاد و توسعه روستا های این سرزمین نقش مهمی داشته است مثلاً مخروطه افکنه ها بهترین و حاصلخیز ترین خاکها را برای کشت و زرع فراهم نمودند . در حاشیه بیابانها هم چنانچه آبهای زیر زمینی به سطح زمین نزدیک شده باشند با احداث چاه و قنات ، امکان کشاورزی و زندگی روستایی بوجود می آید به چنین آبادیهای کوچک در نواحی بیابانی واحه گفته می شود . ( آموزش و پرورش ، ۱۳۸۴ : ۳۴-۳۱ )

## **شکل روستا ها**

اگر عامل آب را در بر پایی روستاها یک عامل اساسی بدانیم ، بنابراین طبیعی ترین نوع شکل گیری روستاها در پیرامون منابع آب ، ( مانند چشمه و چاه ) را بصورت متمرکز در می یابیم . در نواحی خشک و نیمه خشک کشور ما هر جا آب بصورت قنات یا چاه در سطح زمین پیدا شده است ، خانه های روستایی متمرکز گویند . در این نواحی فاصله روستاها از هم بسیار زیاد است و زمینهای کشاورزی در بخش حاصلخیز تر و دورتر از خانه ها قرار گرفته اند . در ایران تنها در جلگه های کناره ای دریای خزر ( مازندران ) شکل روستاها متمرکز نیست در نواحی مرطوب و جلگه ای شمال ایران ، به دلیل آنکه آب و خاک حاصلخیز همه جا در دسترس است و امکان کار کشاورزی در همه جا فراهم شده است ، روستاها در یک مکان متمرکز نیستند و مرز روستاها بخوبی از یکدیگر مشخص نیست . خانه های روستایی در همه جا مشاهده می شود . در اطراف هر خانه روستایی زمینهای کشاورزی و شالیزارهای بزرگ شکل گرفته است . این شکل بندی روستایی را روستاهای پراکنده می گویند .

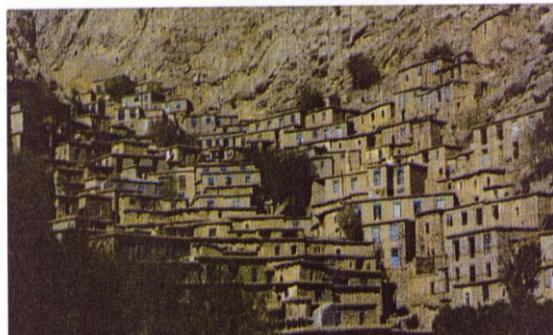
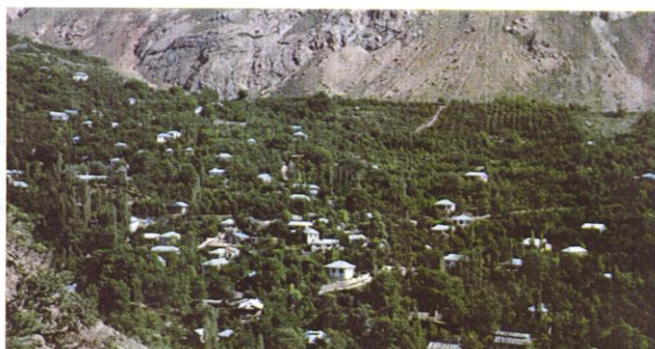
روستاهایی که در امتداد یک رود شکل گرفته اند به روستاهای طولی معروفند . در مناطق کوهستانی کشور ممکن است خانه های روستایی بر دامنه یک کوه استقرار یافته باشد ، معمولاً در دامنه های رو به آفتاب ساختمانها به صورت پلکانی در بالا دست ساختمانهای دیگر قرار می گیرد . اینگونه روستاها ، به روستاهای پلکانی معروفند .



شکل ۳۲-۲- یک روستای متمرکز



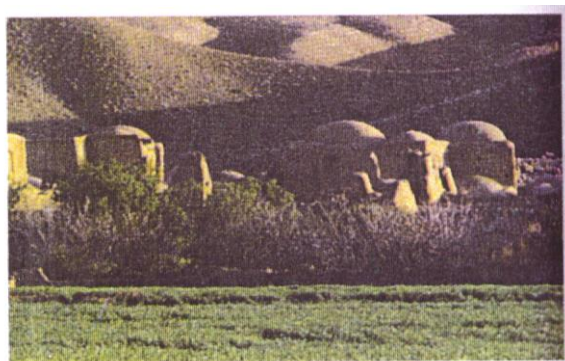
شکل ۳۳-۲- روستای پراکنده



در ساختمانهای روستایی ، مصالحی به کار می رود که معمولاً در محیط اطراف وجود دارد و به این جهت روستاها با محیط جغرافیایی خود پیوند زیادی دارند . در مناطق گرم و خشک روستائیان ، سقف خانه های خود را گنبدی شکل می سازند . زیرا در این حالت معمولاً روزها به نیمی از سقف خانه آفتاب مستقیم نمی تابد ، این امر در خنک نگهداشتن داخل خانه ها موثر می باشد و از شدت گرمای تابش آفتاب می کاهد . ( وزارت آموزش و پرورش ، ۱۳۸۴ : ۳۴-۳۱ )



شکل ۳۷-۲- سقف خانه ها در مناطق جنگلی



شکل ۳۶-۲- سقف خانه ها در مناطق گرم

## روند خانه سازی در روستاها

از مدتها قبل افزایش مالکیت خانه های بیلاقی ، به ویژه در مقصد های محبوب تر توریستی ، به عنوان یکی از عوامل زیر بنایی شناخته می شود که سبب رشد گردشگری در مناطق روستایی شده است. برای نمونه در ناحیه دریاچه ای انگلستان ۱۶ درصد از خانه ها ، جزء این دسته قرار می گیرند . به همین ترتیب در روستای « نور فولک » حدود ۱۱ درصد از خانه ها ، ساکنان دائمی ندارند . مشابه این امر در بسیاری از مناطق روستایی یافت می شود .

به سبب میزان زیاد مالکیت خانه های بیلاقی ، باید خاطر نشان شد که بسیاری از مشکلاتی که در امر خانه سازی ، مناطق روستایی با آن روبرو هستند به دلیل گردشگری است . در حقیقت همانگونه که در دهه ۱۹۸۰ و لوز شمالی با مالکیت خانه های بیلاقی مقابله کرد ، باید فعالیت هایی در جهت مخالفت با مالکیت خانه های بیلاقی صورت بگیرد . اثرات سوء خانه های بیلاقی بسیار کم است اما همانگونه که به اختصار گفته شد ، بسیاری از مشکلات گردشگری در مناطق روستایی مربوط به همین مساله است . در عین حال باید به این مساله اشاره شود که سایر تحولاتی که در الگو و ساختار مالکیت اموال روستایی به وقوع می انجامد به دلیل مقابله با شهر نشینی است و ممکن است همین مساله تاثیر مهمی بر جوامع روستایی و توسعه گردشگری در مناطق روستایی وارد آورد . ( فشارکی ، ۱۳۸۴ : ۱۴۲ )

## **وسعت سکونتگاه های روستایی**

عوامل گوناگونی در موقعیت و نحوه استقرار سکونتگاههای روستایی نقش دارند که در نهایت نه تنها کارکرد روستاها ، بلکه وسعت و اندازه آنها را تعیین می کنند . در این رابطه باید گفت وسعت سکونتگاههای روستایی به طور طبیعی نشانگر قابلیتها و توانمندیها روستا در پذیرش جمعیت و گسترش فعالیتهاست و هم خود جزئی اساسی در تعیین ویژگی و بافت کالبدی آن به شمار می رود .

وسعت روستاها را به روشهای گوناگون می توان تعیین کرد . بر اساس تعداد خانه ها و یا واحدهای مسکونی ، بر اساس مقدار زمینهای زراعی و یا به روش رایج بر مبنای میزان جمعیت یا تعداد خانوارها . سکونتگاههای روستایی از نظر وسعت بسیار متنوع است ، اما قلمرو هر کدام از آنها محدود و مشخص

است. در نواحی گوناگون جهان می توان سکونتگاههای روستایی تک خانه ای تا روستاهای چند هزار نفری را مشاهده کرد. در هر حال الگوی کالبدی وبافت کارکردی سکونتگاههای روستایی با تعداد جمعیت آنها رابطه ای تنگاتنگ دارد. البته این رابطه با توجه به سطح توسعه اجتماعی – اقتصادی، شیوه تولید، تراکم اسکان و سایر تفاوهای موجود میان گروههای مختلف روستا نشینان مشخص می شود. بر همین مبنا و با استفاده از شاخص های کارکردی نیز می توان روستاها را بر حسب وسعت رده بندی کرد. نکته اساسی مورد توجه این است که هر یک از روستاها تا چه میزان در بر آوردن نیازهای اساسی اجتماعی – اقتصادی و خدمات فرهنگی گروههای روستا نشین شرکت دارد.

در نواحی گوناگون جهان و در زمانهای مختلف به منظور رده بندی روستاها اصطلاحات خاصی درباره وسعت سکونتگاههای روستایی مطرح شده است. با این حال، امروزه غالباً از یک رده بندی سه سطحی که در نقاط گوناگون متفاوت است نام برده می شود. به عنوان نمونه، در ایران سه سطح عبارتند از مزرعه، دهکده و روستا، حال آنکه در اروپای مرکزی این سه سطح به صورت روستاهای تک خانه ای، دهکده و روستا مطرح می شود.

دهکده یا روستای کوچک نوعی واحد سکونتگاههای روستایی است که از تعداد معتدایی خانه یا سرا (خانه جمعی) تشکیل شده است. تعداد خانه های این نوع سکونتگاهها از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است، اما معمولاً حدود بیست تا سی واحد را در بر می گیرد.

این گونه روستاها اصولاً دارای تاسیسات مستقل اداری، مذهبی و آموزشی نیست و از این لحاظ به روستاهای مجاور بزرگتر وابسته است. روستا بزرگترین واحد در رده بندی عادی سکونتگاههای روستایی به شمار می رود. (سعیدی، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۲)

## موقعیت سکونتگاههای روستایی



موقعیت به طور کلی بیانگر وضعیت خاص یک محل در سطح زمین است و مفاهیم گوناگونی دارد، اما معمولاً از موقعیت و یا موقعیت نسبی سخن گفته می شود.

موقعیت مطلق همان مفهوم رایج موقعیت است که بر اساس مقادیر طول و عرض جغرافیایی مشخص می شود. در این مفهوم با در دست داشتن یک نقشه و یا اطلاع از مقادیر فوق می توان محل دقیق هر نقطه را تعیین کرد. در مقابل موقعیت نسبی که در اینجا مورد تاکید است، بر اساس ویژگی های خاص طبیعی (توپوگرافی، منابع معدنی و مانند آن) یا بر مبنای روابط درونی و بیرونی یک واحد سکونتگاهی مشخص می شود و به ترتیب موقعیت طبیعی (موقعیت جغرافیایی) و موقعیت کارکردی را شکل می دهد. موقعیت طبیعی یک سکونتگاه با عوامل محیط طبیعی، همچون پستی و بلندی، منابع آب و پوشش گیاهی، ارتباط مستقیم دارد. بنابراین با توجه به استقرار یک سکونتگاه در روی کوه یا تپه، دامنه، دره، ساحل و پایکوه موقعیتهای گوناگون طبیعی به ترتیب عبارت است از موقعیت کوهستانی، موقعیت دامنه ای، موقعیت دره ای، موقعیت ساحلی و موقعیت پایکوهی.

موقعیت طبیعی در نظر کارشناس جغرافیای روستایی گویای بسیاری از ویژگیهای روستایی، از جمله حجم جمعیت، نوع فعالیت، امکان دسترسی به منابع و توانهای بالقوه برای رشد و توسعه است. بر این اساس، یک موقعیت دشتی در مقایسه با یک موقعیت کوهستانی از ابعاد مختلف تفاوتهای چشمگیری دارد؛ برای نمونه امکان ارتباط و اسکان جمعیت در موقعیتهای دشتی معمولاً فعالیتهای زراعی، باغداری و صنعتی غلبه دارد. حال آنکه در سکونتگاههای روستایی نواحی کوهستانی، بیشتر دامداری و صنایع دستی رواج دارد و این نواحی به طور نسبی جمعیت کمتری را در خود جای می دهد. در کنار موقعیت طبیعی که بیشتر گویای عوامل و نیروهای استقراری است، موقعیت کارکردی سکونتگاههای روستایی مطرح می شود که بیشتر بر روابط درونی و بیرونی روستاها مبتنی است.

به این ترتیب، موقعیت کارکردی بر اساس شکل و دامنه روابط و نحوه برآوردن نیازهای ساکنان یک

سکونتگاه مشخص می شود و اگر چه وابسته به موقعیت طبیعی است ، می تواند شامل جنبه های زیر شود :

الف ) موقعیت محلی .

ب ) موقعیت نامیه ای .

ج ) موقعیت فرانامیه ای .

موقعیت محلی عبارتند است از ارتباط موقعیتی یک سکونتگاه روستایی با عرصه پیرامونی بلا فصل خود که از نظر کارکردی به آن بستگی دارد . موقعیت محلی بیشتر به روابط درونی و توانمندیهای مختلف محیطی و فرهنگی یک سکونتگاه روستایی باز می گردد. در مقابل ، موقعیت ناحیه ای بیانگر اهمیت ، جایگاه و دامنه ارتباط یک روستا با روستا های دور و نزدیک است ، این موقعیت در محدوده های اداری و سیاسی ، بیشتر در حد دهستان و بخش مطرح می شود و نشاندهنده جایگاه خاص یک واحد سکونتگاهی در مجموعه های روستایی واقع در این محدوده هاست .

موقعیت فرا ناحیه ای عبارتند است از ارتباط موقعیتی گسترده یک روستا با سکونتگاههای واقع در فواصل نسبتاً دور از محل استقرار آن . البته در خصوص بسیاری از روستاها ، بویژه در روستاهای کوچک ، این نوع موقعیت کمتر مطرح می شود .

کارکردهای سکونتگاههای روستایی متنوع و گوناگون است . به عنوان نمونه ، کارکرد دفاعی این سکونتگاهها توان مقابله با حواث غیر مترقبه طبیعی مانند سیل یا هجوم سایر گروههای انسانی یا حتی جانوران است و کارکرد اقتصادی ، چگونگی دسترسی مناسب و مطلوب به منابع یا شبکه های ارتباطی . هر یک از این کارکردها از یک سو نمایانگر دلیل یا دلایل انتخاب محل های مربوط و از سوی دیگر تا حد زیادی بیانگر ویژگیها و نوع روابط در سکونتگاه مورد نظر است. (سعیدی ، ۱۳۸۴ : ۳۹-۴۳)

## منابع درآمد روستایان

در برخی از تعاریف در مورد روستا آمده است : روستا محلی است که فعالیت اغلب ساکنان آن وابسته به زمین باشد . مانند کشت و زرع ، اکثر روستاییان کشور ما به کشاورزی اشتغال دارند . معمولاً روستاییان علاوه بر کار زراعت و باغداری تعدادی دام نیز پرورش می دهند و از فرآورده های آن استفاده می کنند . برخی روستاییان چنانچه شرایط محیطی فراهم باشد به پرورش زنبور عسل نیز می پردازند . صنایع دستی از دیگر فعالیت های اقتصادی روستاییان کشور ماست . فعالیت دامپروری زمینه صنعت قالی بافی را ایجاد می کند . روستاییان نواحی شمالی کشور با بهره گیری از چوب گیاهان و درختان به ساخت وسایل گوناگون حصیری و چوبی می پردازند . در روستاهای مناطق نیمه خشک که خاک فراوان است ساخت ظروف و اشیای سفالی رواج دارد . روستاییان سواحل شمالی و جنوبی کشور به صید ماهی هم اشتغال دارند . این شغل در سواحل جنوبی کشور که کشاورزی و دامپروری کمتر امکان پذیر است رواج بیشتری دارد . ( وزارت آموزش و پرورش ، ۱۳۸۴ : ۳۴ )



شکل ۳۹-۲- دامداری بخش دیگری از فعالیت روستاییان است.



شکل ۳۸-۲- کشت و زرع شغل اصلی روستاییان است.



شکل ۴۰-۲- زنبورداری فعالیت برخی از روستاییان





شکل ۴۱-۲- نمونه‌ای از صنایع دستی روستاییان



شکل ۴۲-۲- صید ماهی در کنار دریا

## شیوه های تولید زراعی :

شیوه های تولید زراعی بیانگر صورت بندیهای گوناگون روابط اجتماعی - اقتصادی است که هر یک عناصر ساختاری - کارکردی متفاوتی دارد. شیوه تولید به عنوان نحوه تولید و ارائه محصولات و کالاها به فرهنگ و اهمیت و نقش ابزار و فنون رایج در تولید در میان اجتماعات گوناگون روستایی بستگی دارد. بنابراین، شیوه تولید نمایانگر رشد اجتماعی - اقتصادی اجتماع روستایی و جامعه به طور کلی است. البته باید توجه داشت که شیوه های تولید همیشه و همه جا کاملاً بر اساس معیارهای عقلایی و اقتصادی شکل نمی گیرد، چرا که در این میان سنت، عرف، باورها، رفتار و آداب فرهنگی - اجتماعی نیز در کنار مقولات اقتصادی هر کدام نقشی بر عهده دارد. شیوه های تولید زراعی انواع گوناگونی دارند که مهمترین آنها عبارت است از :

۱- شیوه بهره برداری طایفه ای - ایلی

۲- شیوه بهره برداری خانوادگی

۳- شیوه بهره برداری فئودالی

۴- شیوه بهره برداری سرمایه داری

۵- شیوه بهره برداری اشتراکی ( جمعی ) . ( سعیدی ، ۱۳۸۴ : ۵۰ )

## حمل و نقل پایدار در روستا

یکی از جریانهای ضروری در مورد برنامه ریزی و توسعه گردشگری روستایی بویژه در کشورهای صنعتی سفر به داخل روستا و یا اطراف آن است. در حقیقت توجه به تاثیرات حمل و نقل و بخصوص خودروهای شخصی، موضوع اصلی مطالعات در زمینه محیط زیست است و در توسعه تداوم دار، حمل و نقل عامل مهمی است که به تخریب محیط زیست جهانی سرعت می بخشد.

بیشتر توجهات زیست محیطی بر سیستمی که حمل و نقل بر آلودگی هوا و گرم شدن هوای جهان دارد، معطوف است. نمودارها نشان داده اند که قسمت اعظم آلودگی هوای نامناسب آن بر محیط زیست در نتیجه دود خارج شده از وسایل حمل و نقل است. بطور مثال بررسی ها در انگلستان نشان داده اند که دود حاصل از وسایل نقلیه حاوی بیش از ۱۷ درصد دی اکسید کربن، ۴۵ درصد اکسید نیتروژن و ۸۵ درصد مونوکسید کربن است.

دی اکسید کربن تا ۵۰ درصد در گرم شدن هوای جهان تاثیر دارد، بنابراین تاثیر حمل و نقل جاده ای بر این پدیده حائز اهمیت است و به نظر می رسد این اثر روز به روز بیشتر شود. پیش بینی می شود که ترافیک جاده ای در انگلستان تا سال ۲۰۲۵ از ۸۳ درصد به ۱۴۲ درصد برسد. البته تنها ۸ درصد از آلودگی های جهان مربوط به خودروهای شخصی است؛ ولی بهر حال تاثیرات زیست محیطی آن بسیار زیاد است.

البته در گردشگری روستایی تنها تاثیرات جوی آلودگی هوا مورد نظر نیست. اگر چه در انگلستان تنها ۱۱ درصد جمعیت در روستاها زندگی می کنند، اما ۵۷ درصد از رفت و آمدهای موتوری در جاده های روستایی و اتوبان ها است و به نظر می رسد تا سال ۲۰۲۵ ترافیک روستایی قطعاً از ۱۲۷ درصد به ۲۶۷ درصد رشد خواهد داشت ( کمیسیون روستا ۱۹۹۲ ). این رشد منجر به تراکم بیش از حد بویژه در زمانهایی که اوج تعطیلات است می شود و ناراحتی زیادی را برای جوامع محلی و گردشگران به همراه دارد و همچنین مشکلات زیست محیطی و اجتماعی مرتبط با استفاده از خودروهای شخصی را تشدید می کند، بویژه:

افزایش مالکیت خودروهای شخصی و استفاده آنها باعث رکود سیستم حمل و نقل در بسیاری از مناطق

روستایی شده است. این امر نه تنها باعث می شود جایجایی ساکنان روستایی که خودرو شخصی ندارند یا نمی خواهند از آن استفاده کنند، کاهش یابد، بلکه دستیابی به روستا را نیز برای گردشگرانی که از خودرو شخصی استفاده نمی کنند تقلیل می دهد.

آلودگی هوا ناشی از ترافیک اثرات دراز مدت بر گیاهان و جانوران مناطق روستایی بر جای می گذارد در اروپا به نظر می رسد که مناطق وسیعی از اراضی جنگل آلمان و اسکاندیناوی توسط آلودگی ناشی از اتومبیل ها و باران های اسیدی تخریب شده اند.

تراکم زیاد رفت و آمد سبب آلودگی تصویری و صوتی شده است. صف های طولانی ترافیک که آهسته در حال حرکت هستند یا ساکن ایستاده اند منظره زیبای روستا را خدشه دار می کنند - صداهای بلند می توانند در آرامش فضای روستایی اختلال ایجاد نمایند.

در مقابل افزایش مالکیت خودروهای شخصی و استفاده از آنها سیاست حمل و نقل بسیاری از کشورها این بوده است که جاده های موجود را توسعه دهند و آنها را عریض تر کنند تا آنها گنجایش رفت و آمد بیشتری را داشته باشند. در بسیاری مناطق این امر سبب از بین رفتن محل زندگی حیوانات و گیاهان و مکانهای مهم طبیعی و تاریخی و به طور کلی سنگ فرش شدن مناطق روستایی شده است.

ساختن جاده منجر به توسعه پیامدهای جانبی از قبیل پارکینگ های اتومبیل، توقف گاه ها یا رستورانهای کنار جاده، پمپ بنزین ها و سایر امکاناتی می شود که نیاز خودروهای گردشگران را برطرف می کنند.

مسلماً این فهرست کامل نیست و همه مناطق روستایی دچار مشکلات مشابه این نیستند. بیشتر مشکلات مربوط به ویژگی های طبیعی و آسیب پذیری مناطق مختلف، کاربرد تفریحی، تراکم جمعیت، دسترسی به مناطق روستایی و غیره است و در کشورهایی چون انگلستان یا هلند (که کشوری پر جمعیت در اروپا است) جنبه های زیست محیطی حمل و نقل پایدار بیشتر از کشورهایی چون آمریکا و کانادا مورد توجه قرار می گیرند. مردم گمان می کنند حمل و نقل جاده ای و بویژه وسایل موتوری کمترین تاثیر را بر محیط زیست و جامعه دارند. اگر چه از نظر گردشگر استفاده از خودرو شخصی یکی از ارزاترین و راحت ترین راه های

حمل و نقل موتوری است. اما زیانهایی که از طریق مصرف انرژی، ایجاد آلودگی، تخلیه منابع زیرزمینی و تاثیر بر سلامتی وارد می کند، غیر قابل پیش بینی است. علاوه بر این اگر چه در گردشگری روستایی خودرو شخصی محبوبترین شیوه حمل و نقل برای سفر به روستا است. یکی از بزرگترین خطراتی به شمار می رود که ویژگی های طبیعی و اجتماعی - فرهنگی مناطق روستایی را به ویژه در مقصدهای محبوب تر گردشگری روستایی، تهدید می کند. بنابراین شگفت آور نیست که برنامه ریزان و دست اندرکاران گردشگری به دنبال اشکال دیگر حمل و نقل باشند. ( فشارکی، ۱۳۸۴: ۱۴۲ )

## **جمعیت و اشتغال روستایی**

در بررسی خصوصیات جمعیتی هر گروه انسانی، داده های آماری در دسترس درباره آن گروه نقش اساسی دارد. مطالعه ویژگیهای جمعیتی سکونتگاههای روستایی از این لحاظ پیوسته با موانعی جدی روبرو است. نخستین مانع، عدم دسترسی به آمار کافی در سطح روستاهاست چرا که سرشماری های دوره ای و آماربرداری های رسمی معمولاً در سطح و مقیاسی بزرگتر گردآوری می شود، به عنوان نمونه در سرشماری ها معمولاً اطلاعاتی درباره ترکیب و ساختار جمعیت و اشتغال و یا تفکیک جمعیت فعال بر اساس نوع شغل اصلی و فرعی یا درآمدهای حاصل از آن در دسترس قرار نمی گیرند. دومین مانع این است که قابلیت اعتماد به داده های کلی موجود نیز در سطح بین المللی و بویژه در کشورهای جنوب ناچیز است. گفتمانی است داده های آماری معمولاً بیانگر کلیاتی غیر کاربردی است و این ویژگی در سطح پایین تر تقسیمات کشوری افزایش می یابد، تا جایی که درباره خصوصیات جمعیتی واحدهای روستایی تنها به ذکر تعداد جمعیت، تعداد خانوار و یکی دو قسم اطلاعات کلی دیگر بسنده می شود. مانع سوم به ماهیت پدیده ها و روندهای جمعیتی و نقش عامل زمان در آنها باز می گردد. همان گونه که زلینسکی (۱۳۷۰) می گوید، پدیده های جمعیتی به مراتب پویاتر از آن است که بتوان آنها را در برحه ای از زمان، به نحوی موثر مورد بررسی قرار داد. در واقع، هنگامی که به هر منظور به بررسی ویژگی های جمعیتی روستاها می پردازیم، عملاً و الزاماً خود را در مقطع زمانی خاصی محصور می سازیم. به این ترتیب، پیوسته این خطر وجود دارد

که به هنگام تحلیل و ارائه نتایج، برخی از این ویژگی‌ها با گذشت زمان رنگ باخته، حتی ارزش خود را از دست بدهد. ( سعیدی، ۱۳۸۴: ۴۵ )

## ارزش روستا

این عقیده که مردم باید برای دیدار از روستا پول پردازند یا برای استفاده از مکانها و امکانات ویژه یا جاذبه های روستایی ورودیه بدهند مساله جدیدی نیست. برای مثال در ایالات متحده اولین ورودیه هایی که از خودروها گرفته شد در پارک ملی کوه رینر در سال ۱۹۰۸ بود، در سال ۱۹۱۶ ورودیه این پارک برای هر وسیله نقلیه ۶ دلار بود در حالیکه پارکهای ملی یوسمیت و یلواستون به ترتیب ۸ و ۱۰ دلار دریافت می کردند. امروزه بیشتر پارکهای ملی ایالات متحده همانند بسیاری از پارکهای دولتی و سایر مکانهای تفریحی ورودیه دریافت می کنند و در بسیاری از کشورهای جهان هم مردم برای دیدار از پارکهای ملی مناطق طبیعی حفاظت شده و سایر مناطق تعیین شده مبالغی را می پردازند. سالهای زیادی است که گردشگران برای استفاده از امکانات ویژه روستایی مانند مکانهای چادرزنی، ورود به جاذبه های روستایی مثل موزه ها، خانه های روستایی و بناهای تاریخی و باستانی پول می پردازند. در بیشتر مواردی که ذکر شد، پولی که جمع آوری می شود برای اداره پارکها یا ایجاد جاذبه ها و فراهم آوری امکانات توریستی مانند سرویسهای بهداشتی، خدمات اطلاع رسانی یا مناطق تفریحی صرف می شود.

بنابراین هر چه توجه به تاثیرات زیست محیطی گردشگری روستایی بیشتر می شود. نقش ورودیه ها برای کاهش فشارها و مشکلات مربوط به گردشگری، در مناطق روستایی بیشتر مورد توجه قرار می گیرد به عبارت دیگر، به دلیل افزایش تقاضا برای گردشگری روستایی و به تبع آن گسترش فضای بسیاری از مقصدهای محبوب روستایی که باعث رویه های غیر پایدار در کاربرد تفریحی روستا می شود و عواملی که جداً ساختار طبیعی روستا را تهدید می کنند قیمت گذاری بر تفریحات روستایی می تواند راه موثری برای کاهش برخی از این مشکلات باشد. ( فشارکی، ۱۳۸۴: ۱۳۳ )

## مشارکت جوامع محلی در گردشگری روستایی

یکی از نکات برجسته در مورد گردشگری پایدار این عقیده است که برای تداوم توسعه گردشگری روش جامعه محوری امری ضروری است. باور اساسی این عقیده این است که جوامع محلی هسته مرکزی مقاصد توریستی هستند و جوامع سالم و موفق معیاری برای سنجش موفقیت صنعت گردشگری به شمار می روند. مطالعات نشان داده اند که نظرات ساکنان مناطق توریستی در خصوص توسعه گردشگری می تواند مثبت یا منفی باشد. به همین دلیل غالباً توسعه گردشگری از طرف مردم محلی مورد مخالفت شدید قرار می گیرد. بنابراین به نظر می رسد جامعه محوری برای برنامه ریزی گردشگری به دو دلیل ضروری است. اول اینکه اگر توسعه گردشگری با امیال و اهداف جامعه سازگار نباشد و علایق و سلیق افراد خارج از جامعه در گردشگری محلی حکمفرما باشد، یا هنگامیکه ساکنان محلی در آستانه پذیرش گردشگری هستند و توریست ها از محدوده خود تخطی کنند. تنش ها و کشمکش هایی بوجود خواهند آمد که در نهایت منجر به رکود گردشگری می شوند. دوم اینکه حق مسلم ساکنان محلی است که در توسعه صنعتی که سود و زیان جامعه شان را در بردارد شرکت داشته باشند این امر در گردشگری روستایی که مردم محلی یک رابطه همزیستی با محیط زیستشان دارند، مشهود است. به عبارتی به نظر بسیاری از ساکنان روستا، محیط زیست روستائی جزء ضروری زندگی آنهاست، بنابراین هر عاملی مانند توسعه گردشگری که محیط زیست را تهدید کند ممکن است زیان اجتماعی به شمار رود. بنابراین مشارکت جامعه در گردشگری جزء ضروری توسعه گردشگری پایدار بویژه در زمینه گردشگری روستایی می باشد و جامعه محوری صورت گرفته، شالوده گردشگری پایدار را برای امروز پایه نهادند و هدف اصلی شان ارائه راه هایی بود که از طریق آنها صنعت گردشگری و جامعه مرتبط با آن بتوانند از مشارکت دراز مدت سود متقابل برند.

اگر چه همانطور که وودلی اشاره می کند، نمونه های طرح های کاربردی جامعه محوری گردشگری به ندرت موفقیت آمیز بوده اند اما از دهه ۱۹۸۰ تلاشهای زیادی برای ارائه راه هایی که از طریق آنها جوامع محلی بتوانند نقش مثبت تری را در برنامه ریزی گردشگری ایفا کنند صورت گرفته اند، پس تعجب آور

نیست که بیشتر بر نامه های توسعه گردشگری در مناطق روستایی رخ داده اند . یکی از برنامه هایی که در مقیاس وسیع انجام شده است برنامه عملکرد جامعه در مورد گردشگری در آلبرتا در کانادا است که از طریق گردشگری آلبرتا که یک سازمان محلی گردشگری است در سال ۱۹۸۷ صورت گرفت . این برنامه به هدف کمک به جوامع محلی طرح ریزی شد تا از طریق آن بتوانند برنامه هایشان را که در مورد گردشگری است توسعه داده و تکمیل کنند و اقتصادشان را تنوع بخشند . کمیته های محلی راه طلب برای اقدام درباره گردشگری تشویق شدند که برنامه هایشان را ادامه بدهند و ۳۰ میلیون دلار سرمایه دولت از آنها حمایت کرد . تا سال ۱۹۹۰ ، ۵۴ درصد از ۴۲۹ سازمان واجد شرایط در آلبرتا برنامه های قابل قبولی ارائه دادند در حالیکه ۵۸ آمار دیگر در مرحله آماده سازی برنامه ها بودند ، اما تفاوت زیادی میان موفقیت برنامه های مختلف وجود داشت . بسیاری از طرح های جامعه محور در مقیاس کوچک در اروپا به انجام رسیدند . در ایالات متحده طرح شهر ما برای شبکه ارتباطی فعالیتهای تفریحی و گردشگری ایجاد شد تا توسعه پایدار گردشگری در جوامع روستایی را آسان کند .

تا اندازه زیادی بیشتر طرح های جامعه محور گردشگری از مشکلات و موانع مشابهی رنج می برند که اثر بخشی آنها را محدود می کنند . برخی از این مشکلات عبارتند از : اهداف کوتاه مدت اقتصادی در خلال اهداف دراز مدت جامعه لزوم سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی که نظارت بر جوامع محلی را کم می کند . فقدان آموزش و عدم وجود علاقه و تعهد در بین بخشهایی که مستقیماً در گردشگری دخالت دارند . اگر چه برخی فعالیتهای جامعه ادامه توسعه و تداوم دار گردشگری روستایی حیاتی هستند ، باید طی یک سیاستگذاری گسترده و هماهنگ بخشهای مختلف دولتی و خصوصی را نیز در مشارکت این امر سهیم کرد . ( فشارکی ، ۱۳۸۴ : ۱۲۳-۱۲۴ )



## مشارکت در توسعه گردشگری روستایی

برنامه ریزی و مدیریت گردشگری روستایی وظیفه تعداد زیادی از سازمانهای بخش دولتی و خصوصی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در گردشگری دخالت دارند. بخش دولتی به ارائه خدمات، تنظیم و اجرای سیاستهای توسعه روستایی (مثل گردشگری) و حل اختلافات درباره کاربرد زمین می پردازد، در حالی که مهمترین مشغله بخش خصوصی کسب منفعت مالی است البته بخشهای داوطلب مابین این دو بخش به عنوان گروه های طالب حفظ محیط زیست یا گروه های فشار قرار گرفته اند و بسیاری از آنها خواستار این هستند که هیچ توسعه ای در مناطق روستایی صورت نگیرد.

بنابراین دیر یا زود دست اندرکاران گردشگری روستایی گرفتار درگیری و نزاع خواهند شد. همه سازمانهای صنعت گردشگری در هدف دراز مدت مشابهی که استفاده مداوم از روستا است سهیم هستند در حالی که توافق کمی درباره سرانجام گردشگری پایدار وجود دارد. هنوز ابهامات و سوال هایی در مورد راه دستیابی به گردشگری روستایی پایدار باقی است و بحث اصلی بر سر نظارت بر آن است. بسیاری افراد از این دیدگاه که گردشگری پایدار تنها می تواند از طریق شیوه استقرایی تحقق یابد حمایت می کنند و به وسیله یک چهارچوب قانونی در صنعت گردشگری یک محدودیت قانونی ایجاد می کنند. نکته اساسی این بحث این است که تعداد زیادی از سازمانهایی که در صنعت گردشگری دخیل هستند به تنهایی تصمیم هایی می گیرند که انگیزه آنها سود کوتاه مدت است. از طرف دیگر کسانی هستند که از شیوه استنتاجی جانبداری می کنند که به موجب آن صنعت گردشگری اجازه دارد به سوی تداوم گام بردارد و قوانین تحمیلی بیرونی آن را محدود نمی کنند. به عبارتی مسئولیت سنگین مشخص کردن اهداف پایدار بر دوش صنعت گردشگری است، که باید اهداف تداوم دار و جریانهای عملی خود را صراحتاً مشخص کند و این اطمینان را بدهد که همه سازمانها از طریق معیارهایی چون ((الگوهای عملی صنعت)) در جهت هدف مشترک، که همان توسعه پایدار است فعالیت می کنند. (فشارکی، ۱۳۸۴: ۱۲۵)



## نتیجه گیری

هیچ شکی نیست که گردشگری نقش مهمی را در احیا و تنوع اقتصاد جوامع روستایی ایفا می کند در عین حال گردشگری می تواند در حفظ و تجدید حیات محیط زیست های روستایی تغییر ایجاد کند ، بنابراین تعجب آور نیست که بسیاری از کشورها گردشگری را عامل آسیب رسان به مناطق روستایی خود می دانند . بنابراین همانگونه که در این بخش ذکر شد ، برنامه ریزی و مدیریت موثر لازم است تا فواید حاصل از توسعه گردشگری افزایش یافته و زیان ها یا تاثیرات منفی در جوامع پذیرای گردشگری تقلیل یابند . این امر نیازمند یک برنامه ریزی هماهنگ و حساب شده است تا اطمینان دهد که گردشگری بیشتر راهی برای دست یابی به توازن و توسعه پایدار مناطق روستایی است و به هیچ وجه راه حل آخر نیست . بنابراین مشارکت جوامع و همه افراد و سازمانهای ذیربط و طرح های مفید مدیریت گردشگران ، همه از ارکان ضروری روند برنامه ریزی و مدیریت هستند .

بعلاوه این روندی است که باید ادامه یابد . به دلیل نیازهای جدید و روزافزون مناطق روستایی و ظهور فعالیت های جدید تفریحی ، هنوز روستا منبعی محدود و آسیب پذیر است . بنابراین نوآوریهای برای برنامه ریزی و اداره منابع روستایی و اساساً گردشگری ضروری هستند و در این راه باید آمادگی رویارویی با جریانها و مشکلات جدید را داشت .

## منابع

- ۱- اینترنت ، سایت Danesh nameh – Roshd . com
- ۲- توکلی ، مهرا ، سرگذشت عالم و آدم ، تهران ، نشر نی ، چاپ اول ، ۱۳۸۳ .
- ۳- سعیدی ، عباس ، مبانی جغرافیای روستایی ، وزارت فرهنگی و ارشاد اسلامی ، ۱۳۸۴ .
- ۴- فشارکی – پریدخت ، جغرافیای روستایی ، انتشارات دانشگاه پیام نور ، ۱۳۸۴ .
- ۵- لوکاس ، هنری ، تاریخ تمدن ، عبدالحسین آذرنگ ، کیهان ، جلد اول ، ۱۳۷۲ .
- ۶- مهرآبادی ، میترا ، تاریخ کامل ایران باستان ، نشر افراسیاب ، چاپ پیک ایران ، ۱۳۸۰ .
- ۷- ناپیر ، جان ، اجداد بشر ، فرح ... خداپرستی ، انتشارات پدیده ، ۱۳۵۲ .
- ۸- وزارت آموزش و پرورش ، تاریخ ایران و جهان ، کد ۲۳۵/۴ ، ۱۳۸۵ .
- ۹- وزارت آموزش و پرورش ، تعلیمات اجتماعی چهارم دبستان ، ۱۳۸۲ .
- ۱۰- وزارت آموزش و پرورش ، جغرافیای یک ، کد ۲۲۵/۲ ، ۱۳۸۴ .